

سیدعطا تقوی اصل؛ استاد دانشگاه و کارشناس علوم سیاسی:

چرا دموکراسی در خاورمیانه پانمیگیرد؟



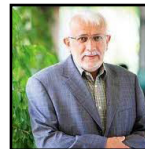
گفتگو با احمد حکیمی پور دبیر کل حزب اراده ملت ایران:

اعتقادی به کاندیدای پنهان و چراغ خاموش ندارم



قاسم محبعلی؛ دیپلمات پیشین:

پشت پرده توافق ایران و عربستان



هفته نامه غیربرخط اراده ملت شماره ۶۶ چهارشنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۲

عملت چیست که فردوس برین می خواهی

نکته کلیدی آموزشی در این شماره از نشریه، به پیام آموزنده‌ی این شعر اشاره دارد: «عملت چیست که فردوس برین می خواهی؟» معمولاً بیرون گود ایستادن و نظر دادن کار بسیار ساده و البته رایجی در میان ماست. مثل اینکه: روی کاناپه دراز بکشیم و در خصوص نواقص چیدمان اثاثیه منزل، یا سطح نظافت اتاق اظهار نظر کنیم، بدون اینکه کمترین مشارکتی در هیچ کدام از این موارد داشته باشیم.

همدان در مسیر جهانی شدن

ایران، مقصدی برای گردشگران فرهنگی از اقصی نقاط جهان است. چرا که دارایی‌های پرشمار ایران به واسطه هزاران سال تمدن، مخاطب خاص خود را می‌طلبد و این مخاطب با مطالعه نقشه‌های بین‌المللی و آگاهی از مناطق ثبت شده در یونسکو به ایران سفر می‌کند. ۲۶ مجموعه در نقاط مختلف کشورمان است که مقصد اول گردشگران خارجی به شمار می‌آید. ۲۶ مجموعه‌ای که همگی ثبت جهانی شده و همدان در حال آماده سازی خویش برای ثبت شدن به عنوان بیست و هفتمین مجموعه است.



یک گروتسک در ابعاد بر نامه پنج ساله

ناامیدی

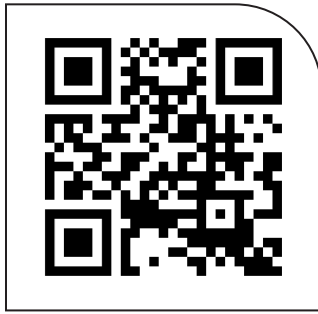
از

کنش مدنی

که باعث کاهش سیطره اشخاص حقیقی و نهادهای بیرونی بر این تشکیلات گردد. انتخاب یک زن نیز، گام مثبت دومی بود که برداشته شد.

از نظر محتوایی هنوز زود است تا بتوان در مورد این انتخاب و سایر تغییرات این شورا اظهار نظر کرد. اما فعالیت گسترده و مناسب خانم منصوری در فضای مجازی و موقعیت ایشان در بین بدنه جریان اصلاح طلبی می‌تواند نوید بخش شرایط بهتری برای این شورا باشد. گرچه فضای عمومی حاکم بر جامعه، نحوه برخورد حاکمیت با این جریان و شرایط داخلی اصلاح طلبان دایره عمل ایشان را به شدت محدود کرده است.

در هفته‌های گذشته شاهد تغییراتی در سطوح مدیریتی و تشکیلاتی شورای هماهنگی جبهه اصلاحات بودیم. برجسته‌ترین تغییر در این میان به انتخاب خانم آذر منصوری به عنوان ریاست شورای هماهنگی برمیگشت. این تغییر از نظر ساختاری گامی به جلو تلقی می‌گردد. حضور دبیر کل یکی از احزاب اصلاح طلب به جای شخص حقیقی (در دوره‌های قبل یک شخصیت حقیقی این منصب را در اختیار داشت، چندین سال محمدرضا عارف و در سال‌های اخیر بهزاد نبوی این مسئولیت را بر عهده داشتند). یکی از گام‌های مثبتی بود که با این انتخاب برداشته شد و امید است



هفته‌نامه غیر برخط اراده ملت

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲ / شماره ۶۶



صاحب‌امتیاز:

حزب اراده ملت ایران

مدیرمسئول:

رحیم حمزه

زیر نظر شورای سردبیری

همکاران این شماره:

راضیه گمار/زهرا کرد/زهرا رحیمی

فاطمه امامی/فاطمه قدم/فائزه صدر

مهتاب قصابی/مehشید قاسمی

افشین فرهانچی/پیام فیض/حامد نامجو

حسن اسدی/حسن غلامی/شمس افزای زاده

کاظم طیبی/فرد/علیرضا مالیر

محمد هادی خوشکلام/مرتضی صادقیان

مهدی تروهید/میثم موسوی

نشانی:

خیابان اسکندری جنوبی، نرسیده به خیابان آزادی، بن

بست خلیلی پلاک ۱ واحد ۱

تلفن:

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵/۰۲۱۶۶۵۶۲۳۰۶



این هفته نامه

ارگان رسمی حزب اراده ملت است

به جای مقدمه: آفریدن یک گروتسک

کلام مدیر مسئول: فروپاشی واژگانی از حکمرانی تا جامعه مدنی

سخن سردبیری: ناامیدی از کنش مدنی

گفت‌وگوی ویژه: احمد حکیمی‌پور؛ اعتقادی به کاندیدای پنهان و چراغ خاموش ندارم

۱۰..... نوشتار

فلسفه وجودی زندگی جمعی و نهادهای اجتماعی چیست؟

فراز و فرود عباس امیر انتظام

۱۳..... گزارش

همدان در مسیر جهانی شدن

کتاب‌هایی که باید خواند

۱۷..... اندیشه

تکنولوژی برای جهان سوم بدبختی می آورد

اخلاق حرفه‌ای (۲)؛ در بحث از اخلاق حرفه‌ای مرادمان از اخلاق و از حرفه چیست؟

۲۳..... گفتگو

سید عطا تقوی اصل؛ چرا دموکراسی در خاور میانه پانمی گیرد؟

قاسم محب علی؛ پشت پرده توافق ایران و عربستان

۲۸..... تاریخ احزاب سیاسی ایران (۱۰)؛ فرقه دموکرات در مجلس دوم

۳۲..... جهان در هفته‌ای که گذشت (۶۶)

۳۶..... اخبار حزب

حوزه تهران تشکیل شد

کتاب داستانی "یک مرد" به ارشاد ارسل گردید

سومین ویژه‌نامه نشریه اراده ملت منتشر شد

مجوز انتشار کتاب "فریادی بر دیوار" صادر شد

۳۹..... صفحه آخر: آموزش تشکیلاتی (۶)؛ عملت چیست که فردوس برین می‌خواهی

۴۰..... بخش گزیده: معرفی و پیشنهاد

(بعضی از مطالب این نشریه گردآوری می‌باشد و بسیاری از عکس‌ها از سایت‌های مختلف برداشته شده است. از همه تهیه‌کنندگان اولیه تشکر مینمائیم)



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

به جای مقدمه

آفریدن یک گروتسک

بخش معرفی و پیشنهاد این شماره نیز تغییراتی داشته است و تا حدودی ساختار مستقلى پیدا کرده است. در این بخش شاهد مولود تازه‌ای هستیم. از این پس معرفی نمایش‌های روی صحنه یا نمایشنامه‌های بزرگ نیز در دستور کار نشریه قرار گرفته است که امیدواریم مخاطبان خود را پیدا کند.

بخش تاریخ احزاب نشریه نیز به دهمین شماره خود رسیده است و امیدواریم که بتوانیم هر چه سریع‌تر جلد اول این مجموعه را در قالب یک کتاب منتشر نمائیم.

با آرزوی سعادت و بهروزی برای تمام ایرانیان

شست و ششمین شماره نشریه اراده ملت ایران را همراه با یک ویژه‌نامه تقدیم خوندگان عزیز این نشریه می‌کنیم. این شماره همراه با یک ویژه‌نامه در مورد لایحه برنامه هفتم توسعه است. که دیدگاه‌های بعضی از اعضا حزب در مورد این برنامه را بیان می‌کند.

در این شماره دو مصاحبه خواندنی از قاسم محب علی؛ دیپلمات پیشین و عطا تقوی اصل؛ استاد دانشگاه داریم و همچنین به باز نشر آخرین مصاحبه دبیرکل حزب با خبرگزاری ایلنا پرداخته‌ایم. احمد حکیمی‌پور در این مصاحبه آخرین تحلیل‌های خویش از وضعیت سیاسی کشور را ارائه می‌دهد.

فروپاشی واژگانی

از

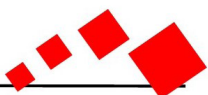
حکمرانی تا جامعه مدنی



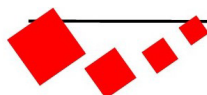
رحیم حمزه

rahimhamzeh@gmail.com

هر اقدامی در راستای جلوگیری از این فروپاشی دریغ نورزند و در این راستا یک خیزش ملی و فراگیر را رقم زنند البته اگر حکمرانی خوب را در چهارچوب های عقلانی می خواهند.



به نظر می رسد تجدید نظر بنیادین در شیوه های حکمرانی و در صورت نیاز قرار گرفتن در مسیر عقلانیت مبرم ترین وظیفه هر حکومتی می باشد



در پایان، جا دارد نکته ای را هم اضافه کنم و آن اینکه کلیت جامعه خیلی قبل تر ها متوجه اهمیت موضوع شده و مطالبات خود را به روش های مختلف بیان داشته اند.

بسیاری از واژگان رایج و مألف، در ذهن و دل مردمان در حال فروپاشی است. تاب آوری در مقابل این حجم از تغییرات بنیادین در سطح جامعه، موضوعی است که نیاز به تدقیق روشنگرانه دارد. حکمرانی خوب به این گونه امور توجه ویژه نشان داده از طرق مختلف نسبت به شناسایی آنها اقدام و به انحاء مختلف تلاش می کند در فواصل زمانی مشخص خود را هم پای این تحولات ارتقا دهد و گرنه در غیر این صورت، خوب می داند که اگر این حفره ایجاد و گسترش یابد نه به نفع او خواهد نه مردم، هر دو متضرر می شوند.

به نظر می رسد تجدید نظر بنیادین در شیوه های حکمرانی و در صورت نیاز قرار گرفتن در مسیر عقلانیت مبرم ترین وظیفه هر حکومتی می باشد و این امر نیازمند ابزارهایی است که جز از طریق جامعه مدنی فراهم شدنی نیست. بنابراین عدم اعتناء و اتکاء به جامعه مدنی و فقدان اراده جهت تقویت آن به هیچ وجه توجیه عقلانی ندارد.

تا اینجا مشخص شد که چه واژگان ارزشمندی دچار فروپاشی شده اند از حکمرانی بگیرد تا جامعه مدنی. در این میان آیا عقلای قوم و احزاب و گروه های سیاسی فکری مسئولیت اجتماعی ندارند که از



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

ناامیدی از کنش مدنی

وسیع‌تری از جامعه ایران برای برچیده شدن جوار عاب و تهدید در حوزه پوشش و حریم خصوصی و سپردن این امر به عرف اجتماعی بود. در ابتدا نیز علائمی از پاسخ مثبت حکومت در این زمینه مشاهده شد ولی به مرور زمان شاهد هستیم که مجدداً در برپاشنه قبلی خود می‌چرخد.

این نحوه برخورد، امید به کنش‌های مدنی با هدف اصلاح ساختارها و فرایندها را به یأس مبدل می‌کند و باعث درج‌زدن سیستم به معنی کلان آن می‌گردد. قاعدتاً در یک سیستم تعاملی مردم از طرق مختلف می‌توانند پیام خود را به گوش متولیان امر برسانند و متولیان امر بر اساس خواست و اراده مردم باید کارگزار ایشان باشند و بر آن اساس عمل نمایند.



در هفته‌های گذشته شاهد تغییراتی در سطوح مدیریتی و تشکیلاتی شورای هماهنگی جبهه اصلاحات بودیم. برجسته‌ترین تغییر در این میان به انتخاب خانم آذر منصوری به عنوان ریاست شورای هماهنگی برمیگشت. این تغییر از نظر ساختاری گامی به جلو تلقی می‌گردد. حضور دبیر کل یکی از احزاب اصلاح طلب به جای شخص حقیقی (در دوره‌های قبل یک شخصیت حقیقی این منصب را در اختیار داشت، چندین سال محمدرضا عارف و در سال‌های اخیر بهزاد نبوی این مسئولیت را بر عهده داشتند). یکی از گام‌های مثبتی بود که با این انتخاب برداشته شد و امید است که باعث کاهش سیطره اشخاص حقیقی و نهادهای بیرونی بر این تشکیلات گردد. انتخاب یک زن نیز، گام مثبت دومی بود که برداشته شد.

از نظر محتوایی هنوز زود است تا بتوان در مورد این انتخاب و سایر تغییرات این شورا اظهار نظر کرد. اما فعالیت گسترده و مناسب خانم منصوری در فضای مجازی و موقعیت ایشان در بین بدنه جریان اصلاح طلبی می‌تواند نوید بخش شرایط بهتری برای این شورا باشد. گرچه فضای عمومی حاکم بر جامعه، نحوه برخورد حاکمیت با این جریان و شرایط داخلی اصلاح طلبان دایره عمل ایشان را به شدت محدود کرده است.



بازگشت گشت ارشاد یکی از مهم‌ترین اخبار هفته گذشته بود. هنوز حدود و ثغور این بازگشت مشخص نشده است ولی ذات بازگشت این پدیده تأییدی است بر این موضوع که بخش اصلی حاکمیت تمایلی به تمکین در برابر خواست مردم ندارد. حوادث پاییز سال گذشته نشان دهنده خواست بخش



لایحه برنامه هفتم توسعه از طرف دولت به مجلس تحویل داده شده و کلیت آن مورد تصویب کمیسیون‌های مربوطه قرار گرفته است. در مورد جزئیات لایحه کماکان بحث در جریان است و احتمالاً در طول ماه بعد نیز ادامه خواهد داشت.

لایحه مشکلات بسیاری دارد - که به بخشی از آنها در ویژه‌نامه همین شماره اشاره شده است - و انتظار می‌رفت که در همین بدو امر و در بحث کلیات به آن اشاره شود اما ظاهراً بضاعت مجلس در این حد و اندازه نمی‌باشد. اما نکته‌ای که مشهود است این می‌باشد که طبق اخبار رسیده قسمت‌های بحث‌برانگیز لایحه در حال جرح و تعدیل در مجلس می‌باشد.

ممکن است در بادی امر این گونه به نظر بیاید که مجلسیان بر اساس خواست مردم دست به این تغییرات زده‌اند ولی در واقع مجلس برای کاهش تنش بخش‌هایی از این برنامه را به خواست گروه‌های ذی‌نفع بدون توجه به کلیت امر تغییر می‌دهد و این باعث می‌شود همان مختصر مزایای برنامه نیز از بین برود. مثلاً تغییر سن بازنشستگی و میزان حقوق و پاداش بازنشستگان از جمله مسائل مهمی است که باید به آن پرداخت و فرایند صحیح را در مورد آن و بر اساس مصالح کلان کشور و کارگران و کارمندان طی کرد. ولی به علت برنامه‌ریزی نامناسب، طرح سوگیرانه به نفع دولت، مشارکت ندادن ذی‌نفعان واقعی در تدوین برنامه و نداشتن نگاه بلند مدت مداوماً به تأخیر می‌افتد. این پدیده را در تمام سال‌های اخیر و در امور بسیاری چه در حوزه اقتصاد، چه در حوزه سیاست داخلی و چه در حوزه سیاست خارجی شاهد هستیم. ظاهراً متولیان امر فقط مسائل و مشکلات را بدون حل کردن به تعویق می‌اندازند و از برنامه‌ای به برنامه بعدی منتقل می‌کنند تا شاید فرجی شود.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

گفتگوی ویژه

۲۵ تیر ماه خبرگزاری ایلنا مصاحبه‌ای با احمد حکیمی پور دبیر کل حزب اراده ملت ایران انجام داد که بنا به اهمیت آن، در این شماره نشریه آن را باز نشر می‌نماییم. این مصاحبه در دو قسمت تنظیم شده است که در این شماره قسمت اول آن تقدیم شما عزیزان می‌گردد.

اعتقادی به کاندیدای پنهان و چراغ خاموش ندارم



ILNA PHOTO

Photo: Mehdi Nasiri



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

و کارها را دنبال می‌کردیم. اما در نهایت بنا به دلایلی که در حزب داشتیم، خیلی محترمانه به جبهه اصلاحات اعلام کردیم که می‌خواهیم از جبهه بیرون بیایم و بر کار حزبی خودمان متمرکز شویم و با توجه به اینکه این خروج اختیاری و تصمیم حزب بود، آن را عملی کردیم. ما کماکان یک حزب اصلاح طلب هستیم و اگر سر هر موضوعی نیاز باشد، با دیگر احزاب کنش مشترک انجام می‌دهیم و آن را دنبال می‌کنیم.

ایلنا: چرا تصمیم گرفتید از این جبهه خارج شوید؟

حکیمی پور: این بحثی نبود که فی‌البداهه اتفاق بیفتد. موضوعی بود که ما هر گاه در داخل و در بیرون جبهه فرصتی پیش می‌آمد نقدهایمان را مطرح می‌کردیم در داخل حزب هم، دو سال قبل از خارج شدن از جبهه، این بحث شروع شد و در نهایت تصمیم اکثریت این شد که بهتر است حزب اراده ملت، کنش جداگانه خود را داشته باشد. دلایل اصلی که به طور مختصر به آن اشاره کنم این بود که فعالیت جبهه‌ای مستمر و دائمی را به ضرر احزاب و در جهت تضعیف آن می‌دانستیم. چون وقتی احزاب به شکل دائمی در قالب جبهه درمی‌آیند تنبل شده و کار حزبی آن‌ها عملاً زیر سایه کار جبهه‌ای قرار می‌گیرد. اعلام موضع و صادر شدن بیانییه را به فعالیت جبهه بسنده می‌کنند که حالا این موضوع به اینکه

ایلنا: با توجه به تغییرات صورت گرفته در جبهه اصلاحات، به نظر شما قرار است شکل جدیدی از فعالیت و ساماندهی را در این جبهه شاهد باشیم؟

حکیمی پور: همان طور که اطلاع دارید مادر حال حاضر، در جلسات جبهه اصلاحات نماینده‌ای نداریم و سه سالی است که حزب ما از این جبهه بیرون آمده و اخبار آن را هم در رسانه‌ها دیدیم که هیئت رئیسه جدید انتخاب شده است. با توجه به ساز و کاری که وجود دارد، هیئت رئیسه جبهه تغییر می‌کند و این بار هم انتخابات برگزار شد و نفرات جدیدی حضور دارند. امیدواریم این افراد بتوانند مفید باشند و در دوره جدید، فعالیت بهتری انجام دهند. چون بنده در جبهه حضور ندارم، نمی‌توانم خیلی اظهار نظری داشته باشم، باید منتظر باشیم و ببینیم جبهه اصلاحات در شرایط کنونی چه میزان می‌تواند مفید و اثر گذار باشد.

ایلنا: آیا حزب شما برنامه‌ای برای پیوستن به جبهه اصلاحات دارد؟

حکیمی پور: مشکلی در پیوستن ما به آنجا نیست. ما خودمان از آنجا دور شدیم. چون تقریباً در حد خودمان، حدود ۲۰ سالی در جبهه وقت گذاشتیم، در جلسات کمیته‌ها و کمیسیون‌ها حاضر بودیم و در مجموع یکی از احزابی بودیم که در ساختار جبهه اصلاحات با جدیت فعالیت کرده



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

کاری به اصلاحات شد، گروه‌های تشکیلاتی، منم منم گفتن‌ها و حزب خود را محور دانستن‌ها و بقیه را پیرامون دانستن حل شود. مافکر کردیم از سال ۹۲ به بعد دوستان تقریباً از این مسائل درس گرفتند؛ اما دیدیم نه تنها این رفتارها تکرار می‌شود، بلکه بدتر و پیچیده‌تر تکرار می‌شود. در نتیجه گفتیم این کارها درست نیست و ما یک حزب اصلاح طلب کنشگر هستیم و کار خودمان را می‌کنیم و فکر می‌کنیم اگر احزابی که می‌توانیم با آنها همکاری کنیم را انتخاب کنیم بهتر بشود با آنها کار کرد.

جبهه اصلاحات، حزب محور نبود و اشخاص تعیین کننده بودند

به طور مثال انتخابات ترکیه برگزار شد، در ائتلاف جبهه اردوغان حزب حرکت ملی ترکیه، حزب راست که هیچ‌سختی با حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه ندارد، به انتخابات آمد، هدف‌های مشخصی را تعیین و برنده هم شدند، اگر آنها نبودند اردوغان اکثریت مجلس را نداشت. در نقطه مقابل اردوغان، ائتلافی که تشکیل شد شامل کرد‌ها، ملی‌گراها، فمینیست‌ها، سبزها و تیپ‌های مختلف بودند و هدف ائتلاف این بود که می‌خواهیم اردوغان را پایین بیاوریم، چون بیش از حد بالا مانده، کشور قائم به شخص شده و خطرناک است. هدف تعریف کردند و گفتند مابقی مسائل اختلافی را بعداً حل می‌کنیم. این معنی ائتلاف در جبهه موضوعی مشخص است. اینکه احزاب دائم با هم کار کنند اصلاً معنا ندارد، چون در خیلی از مواضع با هم اختلاف دارند.

ایلنا: یکی از انتقاداتی که نسبت به فعالیت جریان‌های سیاسی به‌ویژه اصلاح‌طلبان وجود دارد، این است که دائماً احزاب اصلاح طلب در بزنگاه‌های مهم مانند اعتراضات سال گذشته، صرفاً به بیانیه‌نویسی اکتفا می‌کنند. برای اینکه اصلاح‌طلبان بتوانند در سال‌های آینده فعالیت جدی‌تری داشته باشند نوع کنش‌گری آنان باید چگونه باشد؟

حکیمی‌پور: در جریان اصلاحات، پیوند با جامعه برقرار نیست. این جریان فقط در موسم‌های انتخاباتی و آن هم در دقیقه ۹۰ به تکاپو می‌افتاد. به مناسبات پشت پرده می‌رفت و باعث می‌شد برخی از احزاب در حاشیه می‌مانند و در داخل احزاب اختلاف به وجود می‌آمد. یک حزب سیاسی و جریان پویا باید دائماً در پیوند با مسائل جامعه و مشکلات مردم باشد و این روند فقط با بیانیه‌نویسی اتفاق نمی‌افتد. باید ارتباط روزمره با مشکلات حاد مردم و صنوف داشته باشند، با اقشار مختلف ارتباط داشته باشند. دائماً مسائل را رصد کرده و یک رفت و برگشت مرتب بین جامعه و حزب برقرار باشد تا بتواند درست موضع‌گیری کند. این در قالب کار جبهه‌ای اصلاً امکان‌پذیر نیست چون در جبهه روی خواسته‌های مشخص حداقلی دور هم جمع می‌شوند و زمان مشخصی دارد.

یکی از اشکالات جریان اصلاحات این است که از تحولاتی که در جامعه روی می‌دهد فاصله دارد. تحلیل و تدبیر یک جریان سیاسی پویا باید با رویدادهایی که در جامعه اتفاق می‌افتد تناسب و پیوند داشته باشد، اگر در این تحلیل و تدبیر با رویدادها فاصله زیادی بیفتد خروجی آن مسأله غیرواقعی و غیرعملی می‌شود. تشکل‌ها و جبهه باید گام به گام با تحولات حرکت کند. الان می‌بینیم که سرعت تحولات زیاد شده است، اگر حزب

چقدر جبهه فعال است و چقدر فعال نیست، بستگی دارد.

حزب در خواب جریان جبهه‌ای فرو می‌رود و کنش حزبی تحت الشعاع کنش جبهه‌ای قرار می‌گیرد در حالی که این روند درست نیست. عرصه سیاست محل کنش احزاب است و جبهه‌ها از نظر ما امر موقتی بوده و دائمی نیستند. در فعالیت جبهه‌ای باید کنش مشترک در حداقل‌ها تعریف شود و زمانی که به تفاهم رسیدند آن را انجام دهند مانند انتخابات. یا اتفاق مهمی در کشور و جامعه رخ می‌دهد که احزاب می‌خواهند درباره موضوعات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اعلام موضع داشته باشند. بنابراین اینکه فعالیت جبهه دائمی باشد به ضرر احزاب بوده و آن‌ها را تضعیف می‌کند.

یکی دیگر از دلایل ما این بود که با وجود اینکه در جبهه احزاب حضور دارند، اما جبهه اصلاحات، حزب محور نبود و اشخاص تعیین کننده بودند. بنابراین ما می‌دیدیم که عملاً جبهه اصلاحات به محل کولبری احزاب سیاسی تبدیل شده است که تأثیری در سیاست‌گذاری‌ها ندارند. یعنی تصمیمات کاملاً در جایی دیگر گرفته شده و آماده می‌شود و یک مشروعیتی برای جبهه اصلاحات پیدامی‌کند. به همین دلیل ما حضور اشخاص حقیقی را درست نمی‌دانستیم.

فعالیت جبهه‌ای مستمر و دائمی را به ضرر احزاب و در جهت تضعیف آن می‌دانستیم

اولین بار در دفتر آقای عارف در شورای سیاست‌گذاری، یک تعداد اشخاص حقیقی اضافه شدند و من اولین نفر بودم که به این روند اعتراض کردم که گفتیم آن ۱۶ نفر اشخاص حقیقی که اضافه کردید، ۱۴ نفر عضو حزب هستند و به این شکل مسأله عملاً لوٹ می‌شود. وقتی یک نفر عضو حزب است و در قالب یک تشکل مشخص کنشگری انجام می‌دهد، اگر بخواهد به عنوان شخص حقیقی وارد شود، چه معنایی دارد؟ بنابراین می‌توان گفت بحث اضافه شدن شخصیت حقیقی، تضعیف احزاب است. یک نفر در یک حزبی یک رأی دارد و آن نفر هم به عنوان شخص حقیقی یک رأی دارد، تازه شخص حقیقی متعلق به یک حزب است. یعنی یک تشکیلات به تنهایی در جبهه ۱۶-۱۵ رأی دارد به علاوه آنکه یکسری احزاب هم زائیده خودشان است که تشکیل شده‌اند. به طور مثال شاخه معلمان را به عنوان تشکل معلمان، شاخه زنان را به عنوان تشکل زنان گرد هم آورده‌است. دیگر کنش ائتلافی و حزبی معنا نمی‌دهد.

در شورای سیاست‌گذاری گفتیم شفاف عمل کنید تا به طور مثال اگر یک حزبی فکر می‌کند و زنش بالا است، رأی او باید چند تا حساب شود؟ برای این موضوع معیار و شاخص‌بندی تعریف کنید تا همه به توافق برسند. من هم قبول دارم که در کشور ما وزن احزاب یکی نیست. اما این باید شفاف باشد و همه بپذیرند. اینطور دور زدن و احزاب را تضعیف کردن درست نیست. این بحث‌ها مطرح بود و در نهایت دیدیم هر نقدی هم مطرح می‌شود یا هر آسیب‌شناسی که انجام می‌گیرد، بلافاصله می‌گویند شما دارید آقای خاتمی را تضعیف می‌کنید. یعنی یک عده‌ای به هر دلیلی، تا یک نقدی می‌شد که پاسخی برای آن نقدها نداشتند بلافاصله آقای خاتمی را جلومی‌آوردند و می‌گفتند می‌خواهید ایشان را تضعیف کنید. ما امیدمان این بود که اشتباهات و اشکالاتی که در سال ۸۴ باعث ضربه



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

باشد چون چابک تر و منسجم تر کار می کند، می تواند با تحولات جلو بیايد، اما اینکه جبهه با تحولات جلو بیايد خیلی سخت است، چون در کار جبهه های تصمیم ها طولانی است و تا بخواهید یک موضع مشترک گرفته و به خروجی مشخصی برسید، حداقل یک ماه طول می کشد و آن موقع تحول اتفاقی افتاده، زمان سپری شده و در نتیجه کار کند شده و باعث می شود دائما از تحولات چند گام عقب بیافتید. در حال حاضر وقتی احزاب در رابطه با موضوعی به جبهه می آیند می پرسند به طور مثال در مورد تورم چه کردید؟ می گویند در جبهه تصمیم خواهیم گرفت و فعلا جلسه جبهه تشکیل نشده یا موضوعی پیش آمده که اصلا به آن مسأله نرسیدند. خلاصه موضوع لوٹ می شود، لذا نمی توان آن کنشگری مستمر، دائمی، پویا و معطوف به نتیجه را در جبهه داشته باشند.

اینکه احزاب دائم با هم کار کنند اصلا معنا ندارد، چون در خیلی از مواضع با هم اختلاف دارند.

اینها: آیا به نقدهای شما پاسخی داده شده است؟

حکیمی پور: این بحث ها را در داخل جبهه انجام دادیم و زمانی هم که ما از جبهه خارج شدیم، جبهه اصلاحات در حال نقد خودش بود و نقدها شروع شده بود. یک عده هم از بیرون جبهه می آوردند تا نقدها را بگویند؛ اتفاقا ریاست آن هم با خود ما بود. ما همان زمان، نامه دادیم و گفتیم زمانی که خودمان ریاست دورهای را بر عهده گرفتیم، متن را می دهیم و این متن ما است. اگر مایل هستید این موضوعات را به بحث بگذاریم، بیایید صحبت کنیم که متأسفانه این اتفاق نیفتاد. دلایلی که داشتیم را به دبیر جبهه و تک تک دبیر کل ها هم فرستادیم. فقط گفتند چرا بیرون رفتید و بیایید بنشینید. ما هم گفتیم خارج شدن از جبهه تصمیم یک نفر نیست و تصمیم حزب است اما در باره صحبت کردن، هر زمان که بخواهید ما این کار را انجام خواهیم داد. ما از اصلاح طلبی خارج نشدیم و این در مانیفست ما هم آمده است. جبهه هم یک مجموعه از اصلاح طلبان است و خوب است که همه با هم باشند، اما اینطور نیست که همه خودشان را آنجا حذف کنند. اما ما واکنشی ندیدیم که بخواهند و بگویند مثلاً حزبی که از ۲۰ سال گذشته در جبهه وقت گذاشته و این حرف ها را می زند، بنشینیم و ببینیم بحث ها چیست و استدلال هایش را بشنویم.

اینها: آیا در انتخابات پیش رو به صورت حزبی ورود می کنید یا همراه با جبهه اصلاحات؟

حکیمی پور: معتقد هستیم که انتخابات دوروش دارد؛ یک اینکه حزب تصمیم بگیرد و دیگر آنکه ائتلافی از احزاب باشد و ساز و کار مشترک را تنظیم کنند که این بحث جدا است. بنابر این ما در باره مقوله انتخابات طرح داریم که اگر بخواهیم حزبی عمل کنیم، چه کاری باید انجام دهیم و اگر بخواهیم در قالب ائتلاف کاری کنیم، به چه شیوه ای عمل کنیم. زیرا همیشه جریان اصلاحات در انتخابات بین دو گانه شرکت یا عدم شرکت یعنی صفر و صد قرار می گیرد.

اینها: اما برخی در جریان اصلاحات می گویند شرکت یا عدم شرکت

در انتخابات را اصلاح طلبان تعیین نمی کنند بلکه رفتار حاکمیت تعیین می کند

حکیمی پور: اگر بخواهیم بر اساس رفتار حاکمیت عمل کنیم، این رفتار واکنشی خواهد بود. یک جریان سیاسی نباید واکنشی عمل کند و باید خودش برنامه داشته باشد. در سیاست، کنشگر موفق است، اما جریان واکنشی یک گام، دو گام عقب است چون رفتارش را با سیاست تنظیم می کند اما به او دیکته می شود در حالی که من این موضوع را قبول ندارم، حاکمیت هر کاری می خواهد بکند. یک جریان سیاسی باید برنامه خود را داشته باشد و با آن به میدان بیايد. اینکه می گویند حاکمیت نمی گذارد یعنی از نظر سیاسی همه چیز را رفتار حاکمیت تنظیم کنیم که یک عمل منفعلانه سیاسی و واکنشی است نه یک عمل کنشی.

اینها: یک جریان سیاسی برای حضور در انتخابات کاندیدا معرفی می کند اما زمانی که نماینده هایش از طرف قدرت اجازه حضور نمی یابد چه کنشی می تواند داشته باشد؟

حکیمی پور: ما به این شکل به مسأله نگاه نمی کنیم. ما می گوئیم حزب هستیم و این دیدگاه های حزب است، تعدادی افراد داریم که نماد حزب هستند یعنی می دانیم اگر این فرد به صحنه بیاید حزب را نمایندگی می کنند. اینها نفرات ما هستند. نه آنکه نامزد پنهان، کاندیدای چراغ خاموش یا فراخوان کاندیدا صادر کنیم که داستانی پیش بیاید و هزاران نفر بیایند ثبت نام کنند و کسی بگوید حالا که نامزد تو را رد کردند، من هستم؛ خوب تو هستی، چه کسی تو را می شناسد؟ چقدر کار سیاسی انجام دادی؟ برای آنکه همه بخواهند پشت تو بایستند، چقدر نماد حزب هستی؟ چقدر در حزب فعال بودی و می شود تو را به عنوان نماد آن حزب معرفی کرد؟ ما معتقد هستیم حزب خیلی جلوتر از انتخابات این کارها را انجام داده و خود را معرفی کرده و می گوید این افراد، نفرات و سمبل حزب ما هستند و استعلامات آن ها هم در کنگره شان مثبت آمده است. وقتی نماد حزب نمی تواند کاندیدا شود، یعنی آن حزب کاندیدا ندارد. ما می گوئیم کاندیدا نداریم نه اینکه آنها به ما بگویند. به طور مثال ما می گوئیم این افراد نماد تشکل ما هستند و آن ها را کاندیدا می کنیم اگر تأیید شدند، به دلیل آنکه می خواهیم کار حزبی انجام دهیم، کار خودمان را می کنیم اما اگر تأیید صلاحیت نشدند، یعنی آن حزب کاندیدا ندارد.

وقتی نماد حزب نمی تواند کاندیدا شود، یعنی آن حزب کاندیدا ندارد

اینها: در گام بعدی چه می کنید؟
حکیمی پور: کاندیدا نداریم دیگر.

اینها: در انتخابات چه می کنید؟

حکیمی پور: دیگر آن بر عهده خود اعضا است. حزب کاندیدا ندارد؛ اما عضو حزب می تواند در بین احزاب دیگر کاندیداهای دیگر را شناسایی کند و ببیند می تواند حمایت کند یا خیر. وقتی حزب ما دیگر کاندیدا ندارد، یعنی ما کنش حزبی نداریم. اما جلوی کنش عضو به عنوان یک شهروند با حقوق شهروندی را نمی توانیم بگیریم. اما اینکه حزب آدم



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

و قانون اساسی ما، یک قیف از آن‌ها درست کنید و ببینید آیا با این قیف که مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها است، کدام نظام تک‌حزبی، دو حزبی یا چند حزبی جواب می‌دهد؟ بعد به آن عمل کنید و تمام شود. معطل چه چیزی هستید؟ چرا کشور تا این حد گران اداره می‌شود؟ برای اینکه چرخه قدرت و مناسبات روی اصول نبوده و شفاف نیست. در سال ۹۷ که کنگره حزب را برگزار کردیم، یکی از بندهای قطعنامه حزب این بود که باید حکمرانی حزبی در کشور جاری شده و بار را بردارد. اما شورای نگهبان به یک دستگاه عریض و طویل تبدیل شده است. ببینید در داخل محفل‌هایشان چه خبر است. بعضی وقت‌ها زمان انتخابات سرشان شلوغ می‌شود و یک عده‌ای را موقت استخدام می‌کنند. اما در طول سال دفاتر را دارند؛ این چه کاری است؟

ما موضع خودمان را از اول گفتیم اما چه کسی به این تن می‌دهد؟ حزب و پارلمان هم‌زاد هم هستند. مگر می‌شود شما پارلمان داشته باشید اما حزب و کنشگری نباشد؟ شما می‌بینید مادر انتخابات چقدر مسأله داریم و چقدر هزینه‌های حاشیه‌ای به لحاظ امنیتی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و حتی مادی و اقتصادی به کشور تحمیل می‌شود. برای اینکه طبق اصول

یعنی در اصل احزاب، شهروند پروری می‌کردند.

نیست. در ترکیه انتخابات تمام شد، احزاب موضع خودشان را مشخص کردند و گفتند کارگزاری ما کماکان ادامه دارد تا کار گزار بعدی انتخاب شود و این فرد هم باید به وعده‌هایش عمل کند و او را رصد می‌کنیم. اما در اینجا این اتفاقات وجود ندارد. به خاطر اینکه باندهای قدرت و ثروت به ضررشان است. فکر کردند بر سر احزاب می‌زنند، چه کسانی به سر احزاب می‌زنند؟ کدام می‌گویند مردم از احزاب ناراحت هستند یا خوش‌شان نمی‌آید. مگر اوایل دهه شصت چه خبر بود؟ هر کسی می‌خواست کنش سیاسی انجام دهد، در احزاب سازماندهی شده بود؛ از دانشجویگیر تا کارگر و حتی بازاری. عضوگیری‌ها به رده دانش‌آموزی در دبیرستان و مدارس راهنمایی رسیده بود و داشتند کار می‌کردند. چطور شد؟ احزاب حتی روی آدم‌های دارای چند اسم که الواتی و از این تیپ‌ها بودند هم کار می‌کردند که آن‌ها را از خیابان جمع‌آوری کرده و به حزب خودشان ببرند، یعنی در اصل احزاب، شهروند پروری می‌کردند.

معرفی کند، پوست بدهد و هزینه کند، نه این کار را نمی‌کنیم. ما این کنش را داریم تعریف می‌کنیم، نایستادیم که به ما اجازه بدهند ببینید یا نبینید.

چرا انتخابات را چند مرحله‌ای کرده و شورای نگهبان قیم مردم شده است؟

ایلنا: به هر حال، شورای نگهبان و نهادهای نظارتی انتخابات تصمیم می‌گیرند از طرف حزب شما چه کسی می‌تواند در انتخابات حضور داشته باشد؟

حکیمی‌پور: بله ما هم تصمیم می‌گیریم که چه کسی کاندیدای حزب ما باشد و چه کسی نباشد.

ایلنا: بله در مرحله اول شما تصمیم می‌گیرید اما مرحله بعد که مربوط به حضور نامزد شما در عرصه رقابت‌های انتخاباتی است، دیگر دست شما نیست.

حکیمی‌پور: اشکالی ندارد، او اختیار دارد و به اختیارش عمل می‌کند و ما هم به همین شکل عمل می‌کنیم.

ایلنا: اما در دنیا، احزاب تصمیم می‌گیرند چه کسانی از طرف حزبشان در انتخابات حاضر باشند.

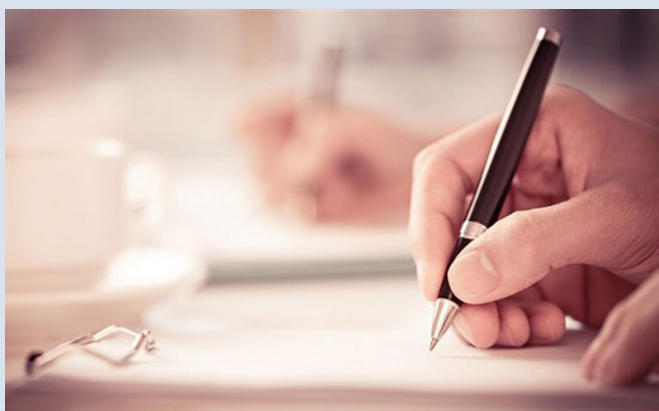
حکیمی‌پور: آنچه می‌بینید دیگر نمی‌گذارند ما آنقدر گفتیم که زبان‌مان مودر آورده است. اگر ما کمی در حاکمیت حزبی عمل می‌کردیم دیگر این مشکلات نبود. تمام درد ما این است که چرا کشور را آنقدر گران اداره می‌کنید؟ چرا انتخابات را چند مرحله‌ای کرده و شورای نگهبان قیم مردم شده است؟ در تمام دنیا یک حزبی می‌آید نامزد معرفی می‌کند؛ به‌طور مثال من در حزب فکر می‌کنم آقای فلان می‌تواند به مجلس برود. ما قابلیت و صلاحیت او را تشخیص دادیم، پای او هم ایستادیم، هزینه‌اش را هم می‌دهیم. اگر به مجلس برود، کار دیگری انجام دهد، مقهور شود، خطایی انجام دهد، هر چه اتفاق بیفتد دیگر نمی‌گذاریم ببینید، ما به کمیته ناظر نیاز نداریم خود حزب جلوتر از همه می‌گوید استعفا خود را بنویس و برو.

این روند خیلی در دنیا آزموده شده و بارها هم گفتیم که شما در جمهوری اسلامی ببینید، واقعاً با توجه به ساختار، فرهنگ، ارزش





نوشتار



فلسفه وجودی زندگی جمعی و نهادهای اجتماعی چیست



حسن اسدی

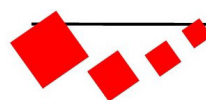
در این مقال حوزه دوم را در می گیریم و به نیازهای فردی و اجتماعی بدنی و یا سلامت جسمی انسان ورود می کنیم تا بدانیم که اگر انسان به سلامت جسمی دست نیابد چه بر سرش می آید؟ مسلم است که حوزه سلامت بدنی و نیازهای اختصاصی این حوزه دامن فراخی را در بر می گیرد که از معاش تا ورزش و تربیت بدنی را در بر می گیرد که من سعی می کنم در حوزه تربیت بدنی که همانا حوزه تربیت انسان برای تحمل انجام کارهای بزرگ است وارد شوم و بنمایم که در کشور ما با همه تأکیدات که در فرهنگ عمومی ما اعم از توصیه های آیینی و دینی در عرصه ورزش آمده به این واقعیت پیردازم که چرا در ایران نگاه به ورزش بسیار سطحی و غیر علمی می باشد؟

برای پاسخ به این سؤال ابتدا لازم است در یک داوری کلان عنوان بدارم که تنها در ورزش نیست که سطح انتظار ما از سازمان بسیار دون پایه و فاقد اهداف متعالی می شود بلکه ما در همه نگاه به ساختار دچار این بلیه عظمی هستیم اما چون در این مجموعه بحث ها بر مبنای نگاه و داوری به ورزش است به صورت اختصاصی به قلمرو ورزش ورود می کنیم تا بدانیم که چرا دقیقاً در مخالفت با قانون اساسی و منطق جهانی ورزش را که باید یک مجموعه هدفمند می شناختیم و برایش هزینه می کردیم یک سازمان فصل و بی برنامه و محض تفریح و سرگرمی شناخته و بسیار منفعل از کنار آن گذر می کنیم؟ برای نمونه آیا همه فوتبال ایران داستانش در دو تیم استقلال و پرسپولیس خلاصه می شود؟ یعنی در قانون اساسی و قوانین موضوعه اصلی داریم که در آن آمده باشد که همه چیز باید فدای این دو غول تنوره کش و سیری ناپذیر شود؟

مسلم است که نه زیرا در قانون اساسی دولت مکلف است که همه امکانات ورزشی را به رایگان برای همه آحاد ملت ایران تهیه و آماده کند اما چرا این نگاه جابه جا می شود و همه چیز به کام مافیای پشت نام این دو باشگاه قرار می گیرد سئوالی است که باید جوابش را در ادارات ورزش شهرستان ها و ادارات کل استان ها جستجو کرد؟

مطمئنم که بارها و بارها در نوشته های خودتان و یا نوشته های دیگران که به مطالعه آنها اقدام کرده اید با مفهومی به نام انسان اجتماعی و سازمان و ساختار اجتماعی روبه رو شده اید و یا به قول معروف در ابتدای هر انشایی آورده اید که البته باید بدانیم که انسان موجودی اجتماعی است و اجتماع مجموعه ای متشکل از سازمان های مرتبط بهم از طریق مناسبات مختلف می باشد که برای هدفی خاص که بهبود و سر بلندی مردم است تلاش می کنند. اما سؤال اینجاست که اگر همه ما می دانیم و یا باید بدانیم چرا نمی دانیم و بر اثر این ندانستن نه به کار جمعی تن می دهیم و نه سازمان و مناسبات را به رسمیت می شناسیم تا جایی که اگر دری به تخته ای خورد و از سر نداشتن هدف و نیروی متخصص ما را بر سر کاری گماردند و اداره سازمانی را به ما سپردند محیط آن را حیات خلوت خود تلقی کرده و همچون زالو به مکیدن خون آن مشغول می شویم تا جایی که چون وقت بیرون رفتن ما فرا می رسد از سازمان موجودیت نحیف و بی رمقی باقی می ماند که حتی قادر به کمترین تحرکی نیست.

نه به کار جمعی تن می دهیم و نه سازمان و مناسبات را به رسمیت می شناسیم



برای نمونه در قانون اساسی آمده است که انسان موجودی با دو حوزه از نیاز می باشد که عبارتند از:

- ۱- حوزه نیازهای بدنی که تأمین آنها برای داشتن بدنی سالم الزامی است
- ۲- حوزه نیازهای معنوی که باید تأمین شوند تا انسان بتواند خود را در موقعیت خلیفه الهی قرار دهد

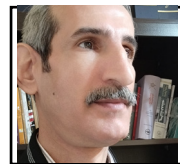


هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

فراز و فرود عباس امیر انتظام



شمس افرازی زاده

shamsafrazi56@gmail.com

پرونده من مطرح شدند.

بعد از به زندان افتادن، درخواست وی برای برگزاری دادگاه تجدید نظر و اعاده حیثیت از سوی مقامات قضائی رد می شود. همچنین او توصیه مقامات قضائی برای نوشتن درخواست عفو در ابتدای دهه ۷۰ را رد می کند.

به نقل از سایت های اینترنتی، «پس از ترور سید اسدالله لاجوردی زندانیان معروف وی در مصاحبه ای که شهریور ۷۷ با رادیو آمریکا داشت لاجوردی را جلاد نامید و به انتقاد از عملکرد سید اسدالله لاجوردی پرداخت. این مصاحبه منجر به تشکیل پرونده ای جدید علیه وی با شکایت خانواده سید اسدالله لاجوردی به اتهام تهمت و مدعی العموم نیز به اتهام علیه امنیت ملی محکوم شد و در سال ۱۳۷۹ مجدداً به زندان اوین بازگردانده شد. اولین جلسه دادگاه وی در سال ۱۳۸۵ برگزار شد و در دادگاه تأکید کرد هر آنچه در مصاحبه سال ۷۷ گفته حقیقت است، دستگاه قضائی چندی بعد علی رغم زندانی کردن وی این پرونده را بست.

عباس امیر انتظام با توجه به تجربیات و مطالعاتی که پیرامون شرایط سیاسی ایران انجام داده بود در سال ۸۲ در زمان ریاست جمهوری سید محمد خاتمی معتقد بود که اصلاح قانون اساسی مشکلی را حل نمی کند بلکه متمدنانه ترین و دموکرات ترین راه حل برای کشور برپایی رفاندومی برای تعیین نوع حکومت ایران بانظارت نهادهای بین المللی است. همین اعلام مواضع و انتشار مقاله موجب شد که دیگر بار او راهی زندان شود.

وی در شهریور ۱۳۸۱ کتاب خاطرات خود را با عنوان «آن سوی اتهام» توسط نشر نی منتشر کرد. این کتاب در دو جلد

و در مجموع ۶۸۰ صفحه دارد. پس از انتشار کتاب، بین عباس امیر انتظام و عباس عبدی مجادله ای در گرفت. امیر انتظام وی را بازجوی روزهای اول دستگیری خود خواند ولی عبدی این مطلب را تکذیب کرد و در مصاحبه اعلام کرد که امیر انتظام وی را با شخص دیگری اشتباه گرفته است.

امیر انتظام پس از آزادی از زندان کماکان به فعالیت های سیاسی خود ادامه داد. وی در سال ۱۳۸۲ از سوی اعضای شرکت کننده در پلنوم الهیار صالح به سمت عضویت در شورای مرکزی جبهه ملی ایران پذیرفته شد، در جلسه اعضای شورای مرکزی به همراه ادیب برومند، پرویز ورجاوند، ناصر فرید و نظام الدین موحد به سمت عضو هیئت رهبری برگزیده شد.

عباس امیر انتظام پس از فراز و فرودهای فراوان در زندگی سیاسی خود، در اوج محبوبیت در بین دوستداران آزادی نهایتاً با تحمل یک دوره بیماری که قطعاً از عوارض دوران زندان او نیز بود، در روز پنجشنبه ۲۱ تیر ماه ۱۳۹۷ بر اثر سکت قلبی در گذشت، و برای همیشه آزاد شد. روحشان شاد و یادشان گرامی باد.



۲۱ تیرماه، پنجمین سالگرد آزادی عباس امیر انتظام است. وی سیاستمدار ایرانی فارغ التحصیل رشته مهندسی برق و ماشین از دانشگاه فنی تهران و گواهینامه بتن از پاریس و فوق لیسانس سازه ساختمان از دانشگاه برکلی آمریکا بود.

امیر انتظام در سال ۱۳۳۷ ضمن تحصیل در دارالفنون جذب جنبش ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر محمد مصدق شد. در سال ۱۳۳۲ نامه اعتراضی نهضت مقاومت ملی ایران نسبت به کودتای ۲۸ مرداد را در تهران به نیکسون داد و تا سال ۱۳۴۲ مهدی بازرگان را در فعالیت های سیاسی اجتماعی همراهی نمود.

عباس امیر انتظام بعد از پیروزی انقلاب به عنوان سخنگوی دولت مهدی بازرگان و سپس سفیر ایران در سوئد و اسکاندیناوی به فعالیت پرداخت. انطوری که از شواهد و اسناد برمی آید در خصوص انتخاب امیر انتظام توسط مهدی بازرگان به سخنگوی دولت موقت بخشی از اعضا نهضت

آزادی ایران طی ملاقات هایی با آقای بازرگان مخالفت خود را اعلام نمودند. مهم ترین علت مخالفت اعضای چون محمد مهدی جعفری به دلیل عدم اشراف آقای امیر انتظام به مسائل دینی و مذهبی بود.

عباس امیر انتظام یکی از مخالفان جدی ولایت فقیه بود و برای جلوگیری از تصویب ولایت فقیه طرح انحلال مجلس خبرگان قانون اساسی را ارائه داد که مورد تایید بازرگان و اکثریت قاطع وزرا قرار گرفت اما با واکنش آیت الله خمینی و هوادارانش به سرانجام نرسید. ایشان بعد از اشغال سفارت آمریکا

توسط دانشجویان پیرو خط امام و آغاز گروگان گیری در سفارت ایالات متحده آمریکا در حالی که به عنوان سفیر ایران در کشورهای اسکاندیناوی فعالیت داشت به تهران فراخوانده شد ابتدا به جرم جاسوسی به اعدام محکوم شد ولی پس از وساطت مهندس بازرگان حکم اعدام به زندان تبدیل شد، او در واقع از اولین زندانیان سیاسی محبوس در زندان اوین پس انقلاب بود. آقای امیر انتظام در خصوص اتهام جاسوسی اش در مصاحبه ای که در اردیبهشت ۷۷ با روزنامه جامعه و با آقای ابراهیم نبوی انجام داد چنین می گوید: «من معاون نخست وزیر، سخنگوی دولت و مسئول مذاکره و مکاتبه با تمام سفارتخانه ها در داخل کشور بودم از جمله آمریکا و محدود ۱۲۰۰ قرارداد با آمریکایی ها داشتیم طبیعی بود بخش عمده ای از این ملاقات ها در دفتر نخست وزیری و با من به عنوان معاون نخست وزیر انجام می شد. ملاقات هایی با سفیر آمریکا و آلمان و سایر کشورها داشتیم. متأسفانه بعد از اشغال سفارت آمریکا به دست دانشجویان پیرو خط امام، این اسناد و مکاتبات که اسناد و مکاتبات قانونی بودند به عنوان اسناد جاسوسی در



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲



گزارش



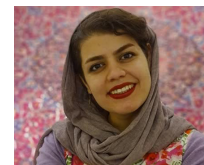


هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

همدان در مسیر جهانی شدن



زهرا کورد

kord.zari1@gmail.com



توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی از دستاوردهای بالقوه ثبت جهانی هگمتانه است. چرا که به واسطه عملکرد غیر قابل دفاع سیاست خارجی در ادوار گذشته، ایران هراسی فراگیری در غرب، آمریکا، آفریقا حتی آسیا به وجود آمده است. باوری باطل که ایران و ایرانیان، خطرناک و جنگجو هستند. حتی در بسیاری از موارد ایران را عرب و یا با عراق یکی می دانند. در این وضعیت، یکی از راه های برون رفت از شرایط مذکور جذب گردشگر خارجی به نقاط مختلف ایران است. مادامی که گردشگر خارجی از حصار اطلاعات کذب رسانه های جهت دار و مرزها عبور می کند و در ارتباط مستقیم با مردم ایران قرار می گیرد، واقعیت موجود را درک کرده و به سفیر فرهنگی ایران در کشورش بدل می شود. این مهم سبب تکرار سفر گردشگران خارجی به ایران می شود. این ارتباط بی واسطه بین ایرانیان و گردشگران خارجی تأثیر پذیرفتن از یکدیگر را به دنبال دارد. توجه خاص گردشگران خارجی به محیط زیست و حیوانات می تواند رهاورد رایگان سفر آنها برای ارتقا فرهنگ عمومی کشورمان باشد. از طرفی مهربانی و اخلاق مداری ایرانیان نیز برای آنها سوغاتی ارزشمندی است.

ثبت جهانی بدون نگاه شهری!

زندگی در پاسخ به نبود زیر ساخت های مناسب جهت ساماندهی و پذیرش گردشگر در همدان چنین پاسخ می دهد:
متأسفانه همدان علی رغم دارا بودن آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی

ایران، مقصدی برای گردشگران فرهنگی از اقصی نقاط جهان است. چرا که دارایی های پر شمار ایران به واسطه هزاران سال تمدن، مخاطب خاص خود را می طلبد و این مخاطب با مطالعه نقشه های بین المللی و آگاهی از مناطق ثبت شده در یونسکو به ایران سفر می کند. ۲۶ مجموعه در نقاط مختلف کشورمان است که مقصد اول گردشگران خارجی به شمار می آید. ۲۶ مجموعه ای که همگی ثبت جهانی شده و همدان در حال آماده سازی خویش برای ثبت شدن به عنوان بیست و هفتمین مجموعه است. عنوان پرونده ثبت جهانی "هگمتانه و مرکز تاریخی همدان" است. مجموعه ای که از تپه هگمتانه، خیابان بوعلی، خیابان اکباتان، میدان امام و ابتدای هر ۶ خیابان منتهی به میدان را شامل می شود که در این بین کاروانسراهای تاریخی گلشن، جلدی و میرزا کاظم نیز حضور دارند. پرونده ای که زمزمه هایش از سال ۱۳۹۶ شروع شد و نهایتاً در سال ۱۴۰۰ و به اهتمام مدیر کل وقت اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی همدان تشکیل پرونده صورت گرفت؛ سپس در زمستان ۱۴۰۱ به یونسکو ارسال شد. انتظار می رود که در نیمه سال ۱۴۰۲ پس از حضور ارزیابان یونسکو، شاهد ثبت نهایی مجموعه باشیم.

مسئله ملی

حسین زندی فعال حوزه گردشگری و سردبیر هفته نامه همدان نامه به تأثیرات مختلف ثبت جهانی هگمتانه می پردازد:



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

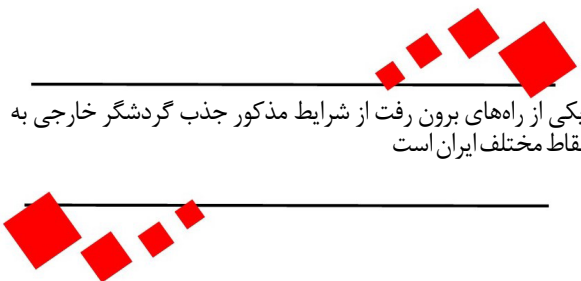
شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

بهانه‌های مختلف متوقف شد. زیرا وقتی از ۹ نفر اعضای یک مجموعه دو نفر را جهت پاره‌ای توضیحات به نهادهای امنیتی احضار کنند، ۷ نفر مابقی نیز کنار کشیده و عملاً کاری پیش نمی‌رود. با این حال بهتر است با تکیه بر قدرت رسانه‌های مستقل و حضور افراد دغدغه‌مند در هر شهری، چنین فرآیندهایی را تسریع ببخشیم.

وظیفه حکومت؟

زندگی وظیفه نهادهای مرتبط با این پرونده را چنین می‌داند: متأسفانه در مورد موضوع هگمتانه، تا ماه گذشته همراهی و تلاشی از جانب استانداری و نمایندگان مجلس ندیدیم و پس از اعتراض‌های فعالان گردشگری و رسانه‌ها به تازگی استاندار به عنوان نماینده دولت و بالاترین مقام تصمیم گیرنده در شهر به سایر ادارات راه و شهرسازی، شهرداری، راهنمایی رانندگی، اوقاف، رشاد و سایر نهادهای ذیربط دستور داده و آنها را ملزم به همراهی در اجرای پروژه ساماندهی مجموعه هگمتانه کرده است. هر چند دیر، چرا که اگر این همراهی از قبل صورت می‌گرفت نتایج بهتری را شاهد بودیم. شهرداری هم با نصب چند بنر در سطح شهر به وظیفه‌اش در پیشبرد پرونده ثبت جهانی کمک کرد!



یکی از راه‌های برون رفت از شرایط مذکور جذب گردشگر خارجی به نقاط مختلف ایران است

اگر ثبت جهانی نشود؟

این فعال گردشگری در پاسخ به عدم ثبت جهانی هگمتانه چنین عقیده‌ای دارد: این دوره یک فرصت برای ساماندهی و مرمت محدوده هگمتانه و آشناسازی مردم با این پدیده و آثارش است. البته این آشنا شدن مردم و بازاریان با چنین مفاهیمی نه از طریق کلاس و کنفرانس که با مشارکت دادن آنها در روند توسعه محیط کارشان محقق می‌شود. به عنوان مثال از هر حرفه و شغلی در بازار دعوت به عمل بیاوریم و در مراسمی، از پیش کسوتان حوزه‌های مذکور قدرانی کنیم؛ ضمن این مراسم راجع به اهمیت ثبت جهانی و جایگاه ویژه‌ای که کسب و کار آنها در این فرآیند به دست می‌آورد اشاره بکنیم. بی شک با این ساز و کار همراهی بخش عمده‌ای از بازاریان را از طریق به دست خواهیم آورد. هر چند در این میان هستند افرادی که به واسطه تخطی از قانون اعم از دیوار خواری، کشیدن تیغه غیر قانونی و تجاوز به حریم پیاده راه مخالف چنین پروژه‌های آینده‌دار و توسعه محوری هستند.

مسئولیت جهان امروز در برابر میراث دیروز؟

زندگی با تأکید بر حفظ آثار گذشته، به نقش کمک کننده پروژه‌های امروزی در پرونده ثبت جهانی هگمتانه چنین نظری را ابراز می‌کند: پیاده راه کردن خیابان اکباتان و بوعلی در مطرح ساختن این پرونده نقش مفیدی داشته است. حال با زدودن زوائد از دیواره این دو خیابان و سنگ فرش کردن معابر مذکور می‌توان به این فرآیند سرعت بخشید. در واقع می‌توان گفت مسئولیت امروز، نساختن بنای جدید و پیراستن آثار به جای مانده است.

در خور، توسعه گردشگری مناسبی ندارد. اما می‌توان از امروز شروع کرد و بالگو گرفتن از تجارب شهرهایی نظیر اصفهان و یزد مسیر توسعه همدان را هموار ساخت. از طرفی گردشگر خارجی با مطالعه و آگاهی مقصد خویش را انتخاب می‌کند و نقشه بین المللی و مکان‌های ثبت جهانی در تعیین مقصد آنها اثر مستقیم دارد و ۲۶ عنوان جهانی شده ایران، اولویت آنها در سفر به کشورمان است. گردشگر فرهنگی برای دیدن زندگی روزمره مردم، راه رفتن در معابر و خیابان‌ها، خوردن غذای محلی به یک شهر وارد می‌شود. بنابراین پیش نیاز حضور آنها زیر ساخت نیست. اما حفظ آثار باستانی و مرمت بناهای قدیمی مؤید حضور گردشگر خارجی است. در این شرایط بهتر است با مطالبه گری مردم و توجه نهادهای ذیربط، بازار و مکان‌های تاریخی مرمت شوند، تسهیلاتی جهت ساخت اقامتگاه بوم گردی، مراکز اقامتی و بوتیک هتل‌های استاندارد قائل شوند و حضور و فعالیت دغدغه مندان را تسهیل کنند.

همدان، غایب مسیر گردشگری غرب

سر دبیر همدان نامه مسیر گردشگری غرب کشور را تشریح می‌کند و معتقد است:

گردشگر خارجی بر مبنای آثار ثبت جهانی در سفر به غرب کشور، ابتدا بازدید از طاق بستان کرمانشاه را در برنامه دارد، سپس به زنجان رفته و پس از دیدن گنبد سلطانیه راهی ارومیه و تخت سلیمان می‌شود. در این میان جای همدان خالی است و با ثبت جهانی هگمتانه این مسیر در همدان نیز دارای توقفگاه خواهد شد. هر چند فرودگاه بی پرواز همدان در این مسیر عامل تسریع کننده نیست اما می‌توان به توسعه مسیر ریلی غرب کشور و ایستگاه راه آهن همدان، توجه ویژه‌ای کرد.

چرا هگمتانه؟

زندگی علت اصلی ثبت هگمتانه را چنین مطرح می‌کند: مهم ترین دلیل ثبت جهانی این مجموعه "زندگی" و تداوم آن از ۳۲۰۰ سال پیش تا کنون است. مجموعه‌هایی نظیر پاسارگاد و تخت جمشید شاهد زندگی در دوره‌ای خاص بوده‌اند اما همدان از زمان کاسیان و سپس مادها بستر اصلی زندگی مردم این منطقه بوده است. به واسطه همین تداوم زندگی است که ما اثری از کاخ اردشیر دوم در هگمتانه را نمی‌بینیم، چرا که هر دوره به اجبار یا بنا به اقتضای حکومت داری بناهای قبلی را تخریب و اقدام به ساخت بنای جدید کرده است و همین تداوم زندگی است که این مجموعه را شایسته جهانی شدن می‌کند.

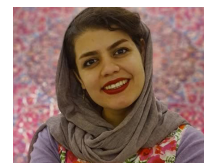
به جز مجموعه هگمتانه، آرامگاه استر، قنات قاسم آباد، ارگ باستانی نوشیجان، کاروانسراها و مجموعه دستکندهای موجود در اقصی نقاط استان همدان پتانسیل ثبت جهانی را دارند که خوشبختانه در این میان قنات قاسم آباد و کاروانسرای تاج آباد و فرسنگ دارای پرونده جهت ثبت هستند.

وظیفه مردم؟

این فعال گردشگری در پاسخ به این سؤال که چه نهاد یا ارگانی مسئول تشکیل پرونده آثار جهانی است چنین پاسخ می‌دهد:

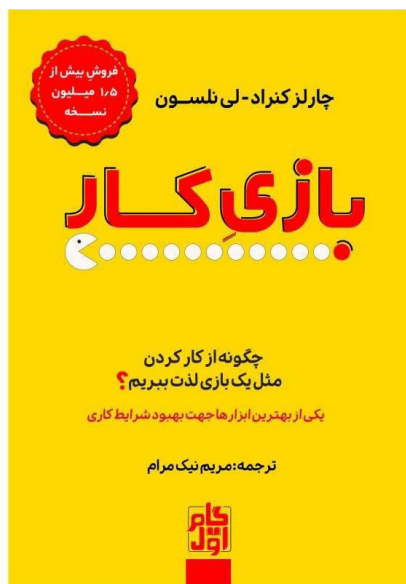
تشکیل پرونده جهت ثبت جهانی هر مجموعه‌ای توسط اداره میراث فرهنگی هر شهر است. اما تشکل و سازمان‌های مردم نهاد در حوزه میراث فرهنگی نیز می‌توانند این فرآیند را پیگیری کنند. نظیر قنات قاسم آباد همدان که توسط دهیار وقت تشکیل پرونده و جهت ثبت به اداره متبوع معرفی شد. اما از آنجایی که همواره حاکمیت در جهت تضعیف و حذف انجمن‌های مردم نهاد تلاش کرده است، ما شاهد انجمن تخصصی در این حوزه نیستیم. چرا که در هر دوره‌ای از احمدی نژاد گرفته تا روحانی، هر گروه و تشکلی رشد پیدا کرد و قصد انجام کارهای مهم داشت، به

کتاب‌هایی که باید خواند



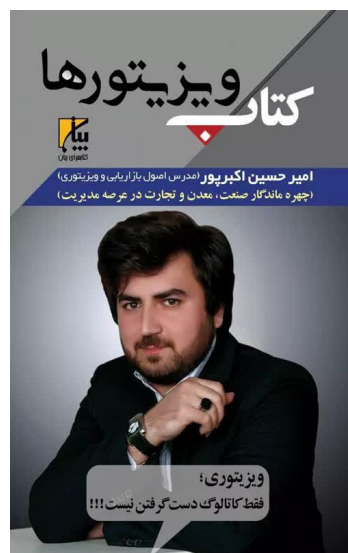
زهرا کورد
kordzari1@gmail.com

اگر شما هم در اجرای قوانین نادرست، اصول خود را در پیش می‌گیرید و البته در محل کار یا زندگی به عنوان “سرکش” شناخته می‌شوید، کتاب “استعداد نافرمانی” برای شماست. این اثر نوشته “فرانچسکو جینو”، استاد مدرسه بازرگانی هاروارد است که با بررسی و پژوهش در حوزه مدیریت نیروی انسانی به نتایج جالب توجهی دست یافته است. نتایجی که منجر شده تا مدیران بیشتر قدر “سرکشان” را بدانند. “گام اول” انتشار این کتاب را بر عهده داشته است. ترجمه روان “مریم نیک مرام”، یکی از علل اقبال این کتاب و رسیدن به چاپ دوم با تیراژ ۱۰۰۰ نسخه شده است. سرکش‌ها به‌بدی شهره هستند، ما آنها را مشکل‌آفرین، طرد شده، مخالف و ناسازگار می‌دانیم... (برشی از کتاب)



“بازی کار” اثر چارلز کنراد-لی نلسون در زمره کتاب‌هایی است که حضورش در ادارات و سازمان‌هایی با نیروی انسانی لازم است. نویسنده در این کتاب به این مهم می‌پردازد که چرا در انجام کار تیمی در محل کار ناتوان هستیم اما کار تیمی به مثابه بازی را به‌خوبی و با هیجان پیش می‌بریم. این اثر که با ترجمه “مریم نیک مرام” در سال جاری به چاپ دوم رسیده است، توسط نشر “گام اول” به بازار عرضه شده و بی‌شک در پیش برد اهداف هر مجموعه‌ای تأثیر گذار خواهد بود.

در این شماره از نشریه به معرفی دو اثر تالیفی و البته خواندنی از نویسنده با سابقه ادبیات داستانی کشورمان، جمال میرصادقی می‌پردازیم. میرصادقی نویسنده‌ای خلوت‌گزین و البته پرکار است. حضور چند ده ساله در فضای ادبی کشور و ارائه بیش از ۶۰ عنوان کتاب، رمان و داستان کوتاه از وی، عیاری گران سنگ می‌سازد. به‌گونه‌ای که می‌توان مطالعه آثار ایشان را به هر نویسنده‌ی تازه کاری که سودای نوشتن دارد، توصیه کرد. نظیر کتاب “داستان‌های نوین” که در این مجموعه به بررسی عناصر داستان نویسی با زبان شیوا و نگاه دقیقش می‌پردازد. مجموعه داستان کوتاه “دیگه مته تختی نمیداد”، هم یکی از آخرین کارهای میرصادقی است که در برگیرنده داستان‌های کوتاه با فضای فکری این نویسنده است. هر دو کتاب نامبرده توسط انتشارات آواها منتشر شده است.



حوزه کسب و کار نظیر بسیاری از حوزه‌های ماحصل جهان مدرن، هنوز جایگاه تولید محتوایی متناسب با کشورمان را پیدا نکرده است. به‌گونه‌ای که آثار در این حوزه محدود و در بعضی موارد ناکافی است. با این حال نشر “هومیس” با چاپ چهارم کتاب “ویزیتورها” در عرصه کسب و کار گام مهمی برداشته است. این کتاب که تألیف “امیر حسین اکبرپور”، چهره ماندگار صنعت، معدن و تجارت در عرصه مدیریت، تجارت است در هفت فصل به اصول کاری ویزیتورها پرداخته و با ارائه راهکارهایی به افراد شاغل در این رشته کمک می‌کند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶
۲۸ تیر سال ۱۴۰۲



اندیشه



تکنولوژی برای جهان سوم بدبختی می آورد



فاطمه امامی

Femami53@gmail.com

من بسیار جای تعجب بود مگر می شود یک مدیر گروه یا استاد دانشگاه چنین حرکتی را انجام دهد؟! به او گفتم پس وظیفه ی پزشک چیست؟ گفت: نیازی به پزشک نیست داروی گلودرد همین است. من آن لحظه بسیار ترسیدم و لحظه ایی را فکر کردم که براساس آموخته هایم با این رویه چند سالی دیگر آنتی بیوتیک ها ضعیف تر خواهند شد و ما مجبور خواهیم شد برای مقاومت میکروبی ایجاد شده آنتی بیوتیک های قوی تر استفاده کنیم و آنقدر این روند غلط تکرار خواهد شد که میکروب ها قوی تر و قوی تر خواهند شد بی اختیار یاد حرف استادم افتادم تکنولوژی برای جهان سوم بدبختی می آورد.

از مبحث دارویی خارج شویم و در مبحث پلاستیک وارد شویم. پلاستیک و نایلون و ظروف پلاستیکی غیر قابل بازیافت به جرئت می توان گفت یکی از مخرب ترین آلاینده های محیط زیست می باشد. ظروف پلاستیکی یکبار مصرف و نایلون که استفاده و مصرف آن کم هزینه تر از ظروف دیگر می باشد ولی متأسفانه برای طبیعت پرهزینه می باشد. وقتی وارد مغازه های لوازم خانگی می شویم متأسفانه تولیدات وسایل پلاستیکی روز بروز بیشتر و پرونق تر می شود. در صورتی که در کشورهای توسعه یافته بر خلاف کشورهای در حال توسعه مصرف نایلون و سفره های یکبار مصرف و... به ویژه پلاستیک های غیر قابل بازیافت مدیریت می شود.

گران بودن ظروف غیر پلاستیک و با دوام در کشور باعث رونق یافتن بازار فروش پلاستیک نامرغوب شده که هم سلامت مصرف کننده را به خطر می اندازد و هم طبیعت ایران را.

آلودگی محیط زیست ایران و سلامتی آن به رونق اقتصادی و بالا رفتن قدرت خرید مردم گره خورده است. تا زمانی که قدرت خرید مردم کم باشد تولید کننده جنس های نامرغوب تولید خواهد کرد و طبیعت ایران هر روز بدتر از دیروز آلوده تر خواهد شد.

در دوران دانشجویی به هر مطلبی نوین که با تکنولوژی همراه بود وقتی برخورد می کردیم این جمله مرتب تکرار می شد تکنولوژی برای جهان سوم بدبختی می آورد. در میکروبیولوژی به مبحث آنتی بیوتیک ها که رسیدیم به آنتی بیوتیک هایی برخورد کردیم که هنوز به دلیل قوی بودن و کاربرد کمتر جزئی از رده های کم مصرف بود. یادم هست من این داروها و آنتی بیوتیک ها را فقط یک مرور کوتاهی داشتم ولی نمی دانستم زمانی خواهد شد که آموکسی سیلین جزئی از داروهای ضعیف در سرما خوردگی و... محسوب شود و این داروهای کم کاربرد در مصرف عمومی سرما خوردگی ها قرار گیرند. در همان زمان که ما انواع داروهای آنتی بیوتیک را مطالعه می کردیم مصرف پنی سیلین و آموکسی سیلین در کشورهایی که صاحب تکنولوژی تولید اولیه ی آن بودند مصرفشان کنترل شده تر از ما بود و به راحتی برای بیماران تجویز نمی شد و یا به راحتی در دسترس عموم قرار نمی گرفت.

گران بودن ظروف غیر پلاستیک و با دوام در کشور باعث رونق یافتن بازار فروش پلاستیک نامرغوب شده که هم سلامت مصرف کننده را به خطر می اندازد و هم طبیعت ایران را.

خاطرم است یکی از همکارانم سال ها پیش برای من تعریف می کرد که هر وقت گلودرد می گیرد آموکسی سیلین یکی دو تا می خورد تا خوب شود برای



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲



در بحث از "اخلاق حرفه‌ای" مرادمان از "اخلاق" و از "حرفه" چیست



کاظم طیبی فرد

k.tayyebifard@gmail.com

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

که بر اساس سرشت و شخصیت انسان از او سر می‌زند. در همین تعریف لغوی ساده چند مفهوم اساسی پنهان است. اول اینکه، اخلاق عملی است که از روی عقیده، احساس و باور شخص به وقوع می‌پیوندد یعنی هر شخص بنا بر اعتقادات، باورها و احساساتی که دارد، دست به عملی می‌زند. از طرف دیگر، در این تعریف، آزادی و اختیار فرد مفروض گرفته شده و چنانچه شخص را فاقد اختیار بدانیم و جبرگرا باشیم، عمل سر زده از او را اخلاقی نمی‌توانیم بدانیم. به عنوان مثال، اگر شخصی در موقعیتی خاص در مورد خود یا توانایی‌هایش دروغ می‌گوید، اولاً به اختیار خوردش این کار را مرتکب شده و می‌توانسته انجامش ندهد و ثانیاً، حتماً او بنا به مقصد و نیتی چنین کاری کرده. قصد و هدف داشتن نیز بدون داشتن عقیده، باور یا احساس به دست نمی‌آید. یا او باور داشته که چنان توانایی‌هایی را داراست یا باور داشته که باید به داشتن چنان توانایی‌هایی وانمود کند و این حق اوست.

علاوه بر اختیار و باور، چنانکه در همین مثال نیز بدان اشارت رفت، در عمل و رفتار آدمی هدفی نهفته است و چنانچه ارسطو استدلال کرده و افلاطون به تبیینش پرداخته، هدف نهایی تمام اعمال و همه رفتارها در کل زندگی "خیر" است (۱).

همه برای رسیدن به "خیر" می‌کوشند و "خیر" عبارت است از موقعیت وضعیتی که برای شخص مطلوب است. همه برای نیل به "خیر" کوشش می‌کنند اما در موقعیت‌های مختلف، با محدودیت‌های شخصی و اجتماعی و بنا بر مقتضیات ذاتی دست به رفتارهای گوناگونی می‌زنند که ای بسا نه تنها منجر به "خیر" برای خود و دیگران نمی‌شود، خود عمل و یا نتیجه‌ای آن در بر دارنده‌ی "شر" است.

این از آن روست که تشخیص "خیر" دشوار است. افلاطون اعتقاد داشت که هیچ‌کسی عمل بشری را به دلیل آنکه شر است انجام نمی‌دهد یعنی هیچ‌کس با آگاهی به اینکه رفتارشان ذاتاً یا نتیجتاً شرورانه است، شرارت نمی‌ورزد بلکه گمان شرورترین شرورها هم بر این است که کاری را که انجام می‌دهند "خیر" است اما مشکل اینجاست که میان "خیر" شخصی و جمع نمی‌توانند تمایز دهند، یا شر بودن یک عمل را به درستی تشخیص دهند (۲).

علی‌ای حال، علم اخلاق با چنین منشأ و صبغه‌ی فلسفی‌ای به وجود آمد یعنی علمی شد که خوب را از بد، خیر را از شر، فضیلت را از رذیلت بازشناساند. بازشناسی عمل اخلاقی به دو صورت سامان یافت؛ اول به صورت اخلاق دستوری و دوم به صورت فرا اخلاق.

اخلاق دستوری یا هنجاری، شاخه‌ای از علم اخلاق است که تلاش می‌کند اعمال و رفتارهای خوب و حاوی خیر را شناسایی و معرفی کند

در بخش قبلی این نوشتار، موضوع و مخاطب بحث "اخلاق حرفه‌ای" را به اجمال معرفی کردیم و دانستیم که از اخلاق حرفه‌ای برای حل معضله‌های اخلاقی پیش آمده در انجام وظیفه‌ی حرفه‌ای‌مان می‌توانیم مدد بستانیم یعنی در برهه‌هایی که طبق وظیفه حرفه‌ای‌مان ملزم به انجام کاری هستیم که آن کار از نظر اخلاقی جایز نیست.

موضوع این است که ممکن است در مواردی، وظیفه‌ی حرفه‌ای محول شده به ما، از نظر قانون یا دین جایز باشند اما از نظر اخلاقی صحیح نباشند یا از آن بدتر، ممکن است وظیفه‌ی حرفه‌ای ما با دو یا سه چهارچوب از چهارچوب‌های سه‌گانه‌ی قانون، دین و اخلاق متعارض باشد و در عین حال بنا به وظیفه شغلی و حرفه‌ای ملزم به انجام آن باشیم. در چنین مواردی چه باید کنیم؟

"اخلاق حرفه‌ای" شاخه‌ای از اخلاق است که چنانکه در ادامه خواهیم دید - می‌تواند در تصمیم‌گیری کمکمان کند. البته این را نیز بیان کردیم که مخاطب این دانش، یا افرادی هستند که اخلاق را اصل می‌دانند و قانون، وظیفه، و حتی دین خود را با سنجه‌ی اخلاق تنظیم می‌نمایند، یا آنان که منقاد محض قانون هستند و در پی اصلاح قانون مطابق اخلاق، و یا حتی متدینانی که احکام و دستورات دینی را بر مبنای عقلانیت مفروض در آنها می‌پذیرند.

بنابراین، قرار بر این است که "اخلاق حرفه‌ای" به مخاطبانی که بر شمردیم مدد رساند تا تعارض میان وظیفه‌ی حرفه‌ای و اخلاق را حل کنند. پس لازم است که مرادمان از "اخلاق حرفه‌ای" را تنقیح و روشن سازیم. پیداست که برای تعریف، ابتدا از تعریف اخلاق شروع می‌کنیم چون

منابع تاریخی ما در کشاکش تاریخ، دستاویز طمع ورزی‌ها، کج‌اندیشی‌ها و کج‌فهمی‌ها شده، حقیقت راز بر غبار تردید پنهان کرده‌اند.

در ترکیب اضافی "اخلاق حرفه‌ای"، واژه‌ی "حرفه‌ای" به واژه‌ی "اخلاق" اضافه شده و فرع بر آن است. به عبارت دیگر، اصطلاح "اخلاق حرفه‌ای" عبارت است از اخلاقی از نوع حرفه‌ای و اخلاقی که به حرفه می‌پردازد.

تعریف اخلاق

اخلاق در لغت فارسی از ریشه‌ی "خُلُق" و به معنی منش و رفتاری است



هفته‌نامه غیربرخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

یعنی می‌کوشد بنا بر ادله‌ی عقلی یا شهودی و حسی اثبات کند که به‌عنوان مثال، دروغ، قتل، خیانت و... "شر"، و صداقت، وفاء، ایثار و... "خیر" هستند. اخلاق دستوری برای اینکه بتواند هنجارها و دستورات اخلاقی را در قالب "بایدها" و "نبایدها" به‌دست بیاورد و توصیه کند، نیاز به ابزارهایی دارد که قبل از آن، نیکی و بدی اعمال را شناسایی کند و تبیین نماید که چرا فلان عمل ذاتاً بد و فلان عمل در ذات خود نیک است.

بررسی و انجام این وظیفه در حیطه‌ی "فرااخلاق" یا "فلسفه‌ی اخلاق" است و فلسفه‌ی اخلاق، مناسبات و مواد اخلاق دستوری را محیا می‌کند. البته ممکن است هنجارهای اخلاقی‌ای مبتنی بر دین، سنت، عادت یا هر منبع قدرت و اتوریته معرفتی‌ای (۳) تجویز شده باشد که در این صورت، خود را از فلسفه‌ی اخلاق بی‌نیاز خواهد دانست (۴). همان گونه که در بخش قبلی به اعتقادات اشاعره اشاره شد، آنان دستورات اخلاقی را از منابع دینی استخراج می‌کنند و اهل آن نیستند که در خوبی یا بدی ذاتی اعمال مذاقه نمایند. اشاعره به مصداق "هر چه آن خسرو کند شیرین بود" هر دستورالهی را مترادف "خیر" اخلاقی و هر یک از نواهی وی را حاوی "شر" می‌دانند. به عبارت ساده‌تر، مثلاً قتل به این دلیل غیر اخلاقی است که خدا گفته، نه به دلیل دیگر و اگر خداوند به قتل امر نماید، چنین عملی نیز "خیر" مطلق خواهد بود.

به جدال اشاعره و معتزله اشاره شد و بدان باز نمی‌گردیم اما باید به این نکته اشاره شود که چون در صحت بسیاری از منابع دستورات، سنت‌ها و عادات تردید داریم و چون بسیاری از احکام دینی و سنتی، کلی هستند و به مصادیق اشاره ندارند، چاره‌ای جز استمداد از فلسفه اخلاق نداریم. همچنان که در بسیاری از احکام دینی محل بحث و مناقشه است، به میزان و ترازویی خارج از دین نیازمندیم تا بواسطه‌ی آن، صحت احکام را بسنجیم (۵). در بسیاری از امور نیز حکم شفاف و صریحی در اختیار نداریم، علاوه بر اینکه منابع تاریخی ما در کشاکش تاریخ، دستاویز طمع‌ورزی‌ها، کج‌اندیشی‌ها و کج‌فهمی‌ها شده، حقیقت راز بر غبار تردید پنهان کرده‌اند. سودجویی‌ها و برتری‌طلبی‌های بسیاری با جعل دستورات الهی به وقوع پیوسته که نه برای کسی ناآشناست و نه قابل کتمان (۶).

غرض اینکه "اخلاق حرفه‌ای" از موضوعات و شاخه‌های فرا اخلاق یا فلسفه‌ی اخلاق است چون هدف آن صدور مجموعه دستورات اخلاقی نیست که متضمن وقوع "خیر" باشند بلکه ابزار و روشی است که بوسیله‌ی آن هر شخص و در هر موقعیت و مقتضیات بتواند با بر اصول و فرمول‌های آن نیک و بد خویش را دریابد و تمیز دهد. بنابراین، "اخلاق حرفه‌ای" شاخه‌ای از فلسفه اخلاق است که شخص را با هر گرایش فلسفی و دینی یاری می‌کند تا بنا بر آنچه به‌عنوان باور و هدف خود برگزیده عمل کند.

برای استنباط عقلی از کلیات قانونی یا دینی هم به تراز و متری نیاز است که به مدد آن بتوان مصادیق "خیر" و "شر" را تمیز و تشخیص داد

با چنین رویه و سیاستی، نیاز است که به این پرسش پاسخ داده شود که چرا "اخلاق حرفه‌ای" به‌عنوان شاخه‌ای از فلسفه اخلاق از آن منتزع و جدا شده؟ مگر اخلاق و فلسفه‌ی اخلاق نباید خیر و نیکی ذاتی اعمال را بنمایاند، پس چه نیازی به پرداختن به فلسفه‌ای است که منحصرأ به اخلاقیات و خوبی و بدی رفتارهای حرفه‌ای می‌پردازد؟

در پاسخ به این پرسش، لازم است که یکبار دیگر به مطالب بیان شده در باب موضوع "اخلاق حرفه‌ای" بازگردیم چون بنا بر این است که "اخلاق حرفه‌ای" در حل تعارضات به کمک‌مان بیاید و در شرایطی دستمان را بگیرد که از قبل با انتخابی مطابق قانون، دین یا اخلاق (و شاید دو یا سه تای آنها) وارد حرفه‌ای شده‌ایم و نسبت به انجام وظایفی متعهد شده‌ایم که اساساً یا غیر اخلاقی، غیر قانونی یا غیر دینی نیستند و یا در یکی از این

شاغلی که شغل خود را با تخصص و تعهد به عهده می‌گیرد و مسئولیت حقوقی و فردی آن را می‌پذیرد، یک حرفه‌ای است.

چهارچوب‌ها قرار ندارند.

به‌عنوان مثال، در مثالی که در بخش قبل در مورد تعارض اخلاقی یک افسر ارتش آوردیم، حرفه‌ی یک نظامی بنا بر دین، قانون و اخلاق، حرفه‌ای کاملاً مجاز و حتی مطلوب است اما در همان مثال دیدیم که در هنگام اجرای دستور حمله به غیرنظامیان، افسر مثالی دچار تعارض شده و در برزخی می‌افتد که نمی‌داند آن دستور خاص با ذات اخلاقی او سازگار هست یا نه.

به عبارت دیگر، خود حرفه می‌تواند مطابق قانون، اخلاق یا دین بوده باشد، در حالی که برخی وظایف آن مغایر اخلاق است. یا در مثال دیگر، می‌توانیم یک معلم و حرفه‌ی معلمی را در نظر بگیریم. شکی نیست که حرفه‌ی معلمی از مقدس‌ترین و پر منفعت‌ترین شغل‌هاست. هم قانون پشتوانه و مشوق آن است، هم دین و هم اخلاق. اما در یک موقعیت فرضی، آیا یک معلم بنا بر مصلحت‌هایی می‌تواند به دانش‌آموز درس نخواند، نمره قبولی بدهد؟ مصلحت پنهانی این معلم چه مصلحتی می‌تواند باشد که او حق دانش‌آموزان دیگر را ضایع نکرده باشد و حتی موجب تن‌پروری و مفت‌خواری دانش‌آموز ضعیف هم نشود؟

پیدااست که در چنین موقعیت‌هایی، نه قوانین صریح و شفاهی در اختیار نداریم و نه احکام. چون اقتضای زمانی و مکانی هر کدام متفاوت است، شاید بنا بر مصلحت بزرگ‌تری یا گذاشتن بر عملی "خیر" عین "خیر" بوده باشد. شاید بنا بر فرض مثال، دانش‌آموز ضعیف، علی‌رغم داشتن استعداد یادگیری، با مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کرده که قبولی او موجب کمتر شدن مشکلاتش می‌شود یا فرصتی برای بروز استعدادهایش در آینده به او بدهد. یا حمله به غیرنظامیان توسط یک افسر ارتش، باعث جلوگیری از حمله بزرگ‌تری توسط ارتش مقابل شود و از شر بزرگ‌تری جلوگیری کند. پیدااست که برای تمام اتفاقات ممکن نمی‌توان دستورات مشخص در دین یا قانون گنجاند و از این رو دین و قانون نیز به بیان کلیات احکام و دستورات اکتفا می‌نمایند. از همین رو، آنچه می‌تواند برای تشخیص "باید" از "نباید" و "خوب" از "بد" به انسان یاری رساند، قدرت استدلال و استنباط او از کلیات است. برای استنباط عقلی از کلیات قانونی یا دینی هم به تراز و متری نیاز است که به مدد آن بتوان مصادیق "خیر" و "شر" را تمیز و تشخیص داد. "این ابزار را" فلسفه‌ی اخلاق "در زندگی، و" اخلاق حرفه‌ای "در حیطه‌ی حرفه‌ای و شغلی به‌دست می‌دهد.

بنابراین، حرفه و حرفه‌ای بودن نیز مقتضیات خاص خودش را دارد که مهم‌ترین آن کلی بودن وظایف و دشواری در تعیین مصادیق انجام وظایف است. پس نیاز است که مرادمان از حرفه را نیز منقح و روشن سازیم تا مشخص و عیان شود که از اعمال "فلسفه اخلاق" بر چه محدوده مفهومی‌ای سخن می‌گوییم.

برتری و تعالی شغلی او شود.

حالا با این تمایز گذاردن بین "شغل"، "حرفه" و "کار"، و با در نظر داشتن ماهیت اخلاق، تلازم میان حرفه و اخلاق، و نیاز حرفه به اخلاق قابل درک تر و ملموس تر می شود.

نسبت میان حرفه و اخلاق

شخص حرفه‌ای بر حسب باورها و عقایدش، موضعی نسبت به دستورات اخلاقی دارد و در زندگی خود آنها را به اجرا در می آورد اما در شغل و حرفه‌ی خود با مقتضیات اخلاقی دیگری روبروست و دارای محدودیت‌هاییست. او با انتخاب و قبول یک شغل، متعهد به انجام وظایفی شده که این وظایف امکان دارد در برهه‌هایی، در تضاد با باورهای اخلاقی وی قرار گیرند، هر چند در ابتدا چنین به نظر نرسد و نتوان پیش بینی کرد که شغل مورد نظر در برهه‌ای دچار مسائل مقطعی ای منافی اخلاق شود.

یک معلم یا یک ارتشی در هنگام انتخاب شغل، امکان پیش بینی چنان معضل‌هایی که در مثال‌ها بیان شد را ندارد چون آینده و چرخش و گردش شرایط، در حیطه‌ی فهم و شناخت ما نمی گنجند و آینده فقط و فقط یک راز است.

پذیرش هر کدام از تلقی‌های اخلاقی -چنانکه در بخش‌های بعدی با آنها آشنا می‌خواهیم شد- وظایف، تعهدات و مسئولیت‌های اخلاقی را به دنبال دارد. پذیرش یک شغل، به خصوص چنانکه مبدل به یک حرفه شود، وظایف، تعهدات و مسئولیت‌های خاص خودش را دارد که لزوماً این تعهدات و مسئولیت‌ها با وظایف اخلاقی هم‌پوشانی ندارد.

چنانکه یک ارتشی در زمان خارج از انجام وظیفه‌اش، نه رفتار خاص یک نظامی را دارد و نه مانند یک نظامی، آمادگی برای مقابله یا دفاع. یک معلم هم در خارج از مدرسه، در خانه، کوچه، خیابان و جامعه، ملزم به آموختن به هر آنکس که به آموزش او نیاز دارد، نیست، در حالی که تعهدات اخلاقی چنین نیستند و نمی‌توان آنها را از مقاطعی از زندگی بیرون راند و حذف نمود.

از طرف دیگر، با اینکه هر حرفه، دارای چهارچوب‌های اخلاقی خاص خودش است، درباره‌ی مسائل اخلاقی خارج از حیطه‌ی وظایف آن حرفه مسکوت است. مثلاً با اینکه مشخص است و در منشورهای اخلاقی سازمانی نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد، یک معلم ملزم به رعایت اخلاق حسنه و حسن رفتار با دانش‌آموزان، همکاران، اولیاء و مدیریت آموزشگاهش است اما درباره‌ی روابط بین همکاران، خارج از مدرسه، ساکت است.

بسیاری از روابط میان همکاران، با همکاری در محل کارشان آغاز می‌شود و بنابر عواطف و احساسات مشترک، تعمیق می‌یابد و به زندگی شخصی نیز تسری می‌یابد. پیداست که اخلاق و دستورات سازمانی در مورد رابطه‌ی خانوادگی میان همکاران نمی‌تواند و نباید توصیه‌ای داشته‌باشد.

این فقط یک مثال بود، برای اینکه نشان دهم موضوع اخلاق در زندگی فردی، با موضوع آن در زندگی حرفه‌ای، همچنان که دارای تفاوت‌هایی است، ممکن است در جاها و زمان‌هایی ادغام یابد و تمایز و جداسازی آنها یا ممکن نباشد یا بسیار دشوار باشد.

بنابر این، به فنون نیازمندیم که قواعدی را به دستمان دهد تا طرح و چهارچوبی در اندازیم که هم‌مشی اخلاقی فردی را شامل شود، هم ملزومات و مقتضیات حرفه‌ای، و هم در برهه‌هایی که این دو متداخل در یکدیگر می‌گردند، تداخلی که به سبب فراگیری حرفه بر زندگی بنا به خصوصیت ذاتی حرفه از آن گریزی نیست.

تعریف اخلاق حرفه‌ای

تا اینجا، از میان سطور و با بیان مقدمات بسیار، شاید بتوان مدعی شد که مفهوم و کارکرد "اخلاق حرفه‌ای" روشن شده‌است اما ذکر یک نکته، اگرچه پیدا و بدیهی، لازم است و آن اینکه نه در صد آنیم و نه در توان ما است که دستورات اخلاقی را کشف کنیم که مجموعه‌ای آنها با به کار بسته

تعریف حرفه

در فرهنگ عمومی، معمولاً واژه‌ی "حرفه" را مترادف با واژه‌های "شغل"، "کار" یا "پیشه" به کار می‌بریم که اگر در بسیاری از مواقع برای بیان مقصود روزمره مان مفید است و اکتفا می‌کند، در این بحث بیانگر کل مفهوم مورد نظر نیست و غلط‌انداز است.

برای توصیف عملی که برای امرار معاش انجام می‌شود، چند واژه به کار می‌رود. واژه‌های "شغل"، "کار"، "حرفه" و "پیشه". کلمه‌ی "کار" شامل هر گونه عملی می‌شود که انسان مرتکب آن می‌شود اما در مورد عملی که در ازای آن دستمزدی دریافت می‌شود هم به کار می‌رود. ولی این واژه بار معنایی بسیار خنثایی دارد یعنی حاوی تعهد، ارزش و حتی مسئولیتی نیست. یک انسان، انجام کاری را در ازای دریافت دستمزدی تقبل می‌کند در حالی که لزوماً آن کار نیازمند داشتن تخصص نیست و لزوماً انجام دهنده‌ی آن دلبستگی به آن ندارد.

در بحث از "اخلاق حرفه‌ای"، بنا را بر این گذاشته‌ایم که اخلاق دستوری را کنار بگذاریم و به فلسفه‌ی اخلاق بپردازیم

به عبارت ساده‌تر، کلمه‌ی "کار" را می‌توانیم برای هر انجام وظیفه‌ای که بهای آن دریافت می‌شود، به کار ببریم. در استفاده‌ی این واژه نوعی موقت بودن پنهان است، به این معنا که یک کار، به‌طور معمول به فعالیت‌های درآمزا در برهه‌ای از زمان اطلاق می‌شود که می‌تواند تغییر کند یا تعطیل شود. در مقابل این واژه، واژه‌ی "شغل" کاربرد جدی‌تری دارد و وقتی برای فعالیت درآمذای شخصی به کار می‌رود، منظور و مقصود، آن است که نوعی پیوستگی و هویت‌زایی را برای شخص فراهم می‌سازد. کسی که شغلی دارد، شغلش به‌عنوان یکی از شئون هویتی او شناخته می‌شود و به این وسیله در طبقه‌ای از جامعه طبقه‌بندی می‌گردد.

در مقابل این واژه، واژه‌ی "حرفه" واژه‌ای تخصصی‌تر و در عین حال با شمولیت کمتر است. هر کسی که کاری را انجام دهد، آن کار خاص، لزوماً شغل او نیست و از طرفی، هر شغلی به‌صورت حرفه‌ای انجام نمی‌شود. شاغلی که شغل خود را با تخصص و تعهد به عهده می‌گیرد و مسئولیت حقوقی و فردی آن را می‌پذیرد، یک حرفه‌ای است.

شخص حرفه‌ای نه تنها با شغل خود هویت می‌یابد و شأن اجتماعی به‌دست می‌آورد، بلکه حرفه‌ی او به بخشی از وجود او مبدل می‌گردد. یک حرفه‌ای با پایان ساعت کار یا دوره مأموریتش، از اشتغال فکری به مسئولیتش باز نمی‌ماند و به این ترتیب، "حرفه" عبارت است از شغل شخصی متخصص، متعهد و مسئول که همواره در شغل خود به تعالی و ترقی می‌اندیشد.

شاغل یا کارگر برای زندگی و گذران آن به شغل و کارش می‌پردازد اما حرفه‌ای، حرفه‌اش را جزئی از خود و زندگی خود می‌داند وای بسا برای حرفه‌ی خود به زندگی ادامه دهد. حرفه بهانه‌ای برای زندگی اوست نه وسیله‌ای برای آن (۷).

بنابر این، از دو جهت، حرفه با اخلاق تلازم می‌یابد؛ اول به آن دلیل که حیثیتی از زیست شخصی، و شئونی از هویت اوست، و دوم به دلیل اینکه حرفه‌ای بودن، مستلزم تلاش برای تعالی است و تعالی بدون ابداع و چالش میسر نمی‌شود. کسی که شغل خود را به‌عنوان بخش مهمی از زیستش می‌داند و همواره در پی بهبود آن است، صرفاً به انجام وظایفی مشخص که به وی محول شده اکتفا نمی‌کند. او برای به‌دست آوردن راه‌های بهتری که بهره بیشتری در شغل او به ارمغان می‌آورد، دست به ابداع و ابتکار می‌زند و همواره در پی این است که چالش‌ها و نقصان‌ها را چنان حل کند که موجب



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲



هفته‌نامه غیربرخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

شدن در زندگی حرفه‌ای، ما را متعلق به اخلاق فاضلانه سازد. در صددش نیستیم، توانش را هم نداریم چون نه ممکن است و نه مطلوب.

ممکن نیست چون به تعداد فراوانی، نحله‌ها و گرایش‌های اخلاقی و فرااخلاقی پیش روی ماست و از آن مهم‌تر هیچ قانونی و هیچ مجموعه دستوراتی نمی‌تواند تمام شرایط و مقتضیات را پیش‌بینی کند و برای هر کدام، از قبل دستوری صادر نماید. وانگهی، آنکه در تقلای عقلانی غوطه‌ور است و به فلسفه پناه می‌برد، به دستور صرف منقاد نمی‌گردد و در پی توجیه عقلانی امور است (۸).

حتی قصد این را نیز نداریم که با توجیه یک سری از قواعد فرااخلاقی، آنها را توصیه کنیم، چرا که درهم‌تنیدگی و گونه‌گونی شرایط و مقتضیات، از فردی به فرد دیگر چنان مختلف است که حتی چنین امری نیز ممکن نیست. یعنی نه تنها قصد نداریم به هنجار یا هنجارهایی دست یابیم که مثلاً در موقعیت "الف"، "ب" را باید انجام، و عمل "ج" را نباید، بلکه حتی در صدد بیان قاعده‌ای برای فهم عمل به "ج" و "ب" هم نیستیم، بلکه می‌کشیم، بنا به مکاتب و نحله‌های فکری اخلاقی که تاکنون ظهور یافته‌اند، انواع قواعد را توصیف نماییم، تا هر شخص بنا به باور و عقیده‌ی خویش، به یک یا چند نوع از آنها متوسل شود.

بادر نظر گرفتن این نکته، و این تذکر، "اخلاق حرفه‌ای" را می‌توانیم به مبحث و شاخه‌ای از فلسفه‌ی اخلاق که بنا به مقتضیات زندگی حرفه‌ای به تمهید قواعد اخلاقی می‌پردازد، تعریف نماییم.

نیاز است که در گام بعدی انواع تلقی و فهم‌ها از ذات اخلاق و عمل اخلاقی را برشماییم، با این هدف که برای شخص، انتخاب بین آنها موجه و ممکن باشد. البته باید توجه داشت که هر کدام از نحله‌های فکری‌ای معرفی می‌نماییم، یک فرآورده‌ی بشری و در معرض نقصان و بطلانند. پس هر کدام از ما، جواز دخل و تصرف و شخصی‌سازی آن را داریم، منوط به آنکه اصل اساسی و هدف اولیه را برآورده سازد (۹). این نه تنها مقتضای این بحث، بلکه مقتضای ذاتی "فلسفی زیستن" است، و فراموش نکنیم که در بحث از "اخلاق حرفه‌ای"، بنا را بر این گذاشته‌ایم که اخلاق دستوری را کنار بگذاریم و به فلسفه‌ی اخلاق بپردازیم.

بنابراین، در بخش بعدی، بخش سوم از این سلسله نوشتار، از فلسفی بودن ذات این بحث دفاع خواهیم کرد تا بعد از آن، با لحاظ اخلاق‌گرایی فلسفی، به شناخت تفکرات و گرایش‌های فلسفه‌ی اخلاقی پرداخته، و آنها را در باب حرفه و زندگی حرفه‌ای به کار گیریم و به چالش بکشیم.

مآخذ و پانوشت:

۱. ارسطو در "اخلاق نیکوماخوس" و افلاطون در "جمهوری" چنین استدلال کرده‌اند. برای دیدن شرح کاملی از دیدگاه‌ها درباره‌ی "خیر" در اخلاق، نک: مقاله‌ی "خوب، خیر، متاع" نوشته‌ی اچ دنیر، ترجمه‌ی احمد رجبی در فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفی، تهران، انتشارات موسسه‌ی حکمت و فلسفه و موسسه‌ی ارغنون، ۱۳۹۴ ش، جلد ۳، ص ۲۶۸؛ نیز؛ ارسطو، اخلاق نیکوماخوس، ترجمه ابوالقاسم پورحسینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۸ ش، فصل سوم، ص ۵۳.

۲. نک: پاپکین و استرول، ریچارد و اوروم، کلیات فلسفه، ترجمه‌ی جلال‌الدین مجتبی، تهران، نشر حکمت، ۱۳۸۵ ش، صص ۱۰ تا ۱۲.

۳. Epistemic Authority منظور از اتوریته‌ی معرفتی، منبعی برای دانش و معرفت است که شخص با اتکاء به آن منبع، بدون مطالبه‌ی توجیه و علت، مطیع و فرمانبردار، دستورات و احکام آن منبع را می‌پذیرد و بدان باور پیدا می‌کند. اتوریته‌های معرفتی فراوانی وجود دارند، از جمله مقدس، پیامبر، پیر و مرشد و... که برخی، با باور به این منابع، به دستورات، احکام، تبیین‌ها و قضایای مطرح شده‌ی آنان باورمند هستند. ۴. پیدااست که باورمندان به هر نوع اتوریته‌ی معرفتی، خود را از تقلای عقلانی و جستجوی حقیقت بی‌نیاز می‌دانند و به گواهی همان منبع اکتفا می‌کنند. البته ناگفته نماند که برخی چون لیندا زگزبسکی (فیلسوف معاصر)، برای باورمند به اتوریته‌ی معرفتی نیز عقلانیت قائل هستند و از آن دفاع می‌کنند.

۵. عقل‌گرایان متدین نیز بر مبنای روایاتی چون "ما حکم به الشرع، حکم به العقل" و "أنی یُعِثُّ لا تم مکارم الأخلاق"، به اصالت عقل و اخلاق در دین و تقدّم آنها بر دین معترفند.

۶. سرتاسر تاریخ اسلام مملو و مشحون است از تفاوت قرائت‌ها و حتی سوء استفاده‌ها و جعل‌ها، چنانکه خلفای سلسله اموی و عباسی، از اسلام جلوه‌ی دیگری ساختند که با منشأ و اصل آن کاملاً متفاوت بود. برای نمونه‌ای از جاعلان مشهور تاریخی می‌توان به کعب ابن احرار و احادیث جعلی او اشاره نمود. جعل‌ها و سوء استفاده‌های از آن چنان زیاد بوده که مرحوم سید مرتضی عسگری، فقط در یک مورد پژوهش خود، به ۱۵۰ صحابه ساختگی پیامبر اشاره کرده و ثابت نموده که چنین افرادی وجود خارجی نداشته‌اند. نک: عسگری، سید مرتضی، یکصد و پنجاه صحابه ساختگی، ترجمه‌ی عطا محمد سردارنیا، تهران، ۱۳۹۲ ش، در چهار جلد.

۷. برای دیدن تعریف نسبتاً جامعی از "حرفه" و تفاوت آن با "شغل" و "کار"، نک: فرامرزق‌راملی، اخلاق حرفه‌ای در مدرسه، تهران، نشر شهید مهدوی، ۱۴۰۱ ش، صص ۳۲ تا ۴۴.

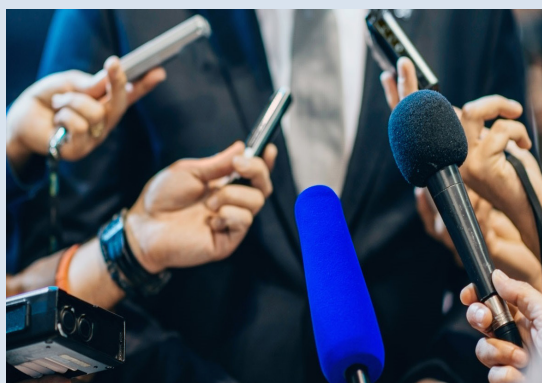
۸. در این پروژه، دقیقاً به همین دلیل، قصد پناه بردن به هیچ کدام از اتوریته‌های معرفتی را نداریم.

۹. مقتضا و مزیت "عقل خود بنیاد" یا همان تفکر فلسفی این است.



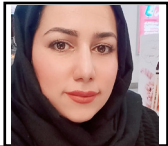


گفتگو



سید عطا تقوی اصل، استاد دانشگاه و کارشناس علوم سیاسی در گفت و گو با اراده ملت تشریح کرد:

چرا دموکراسی در خاور میانه پانمی گیرد



Facehsadr7@gmail.com

فائزه صدر

شیوه دموکراسی را آغاز کرد.

در طول تاریخ برداشت‌های زیادی از دین اسلام در جوامع بازتولید شده است. بسیاری از این نسخه‌ها شیوه اصلی اسلام نیستند و با تحقق دموکراسی زاویه دارند. اگر دیدگاه‌های پیامبر اسلام مورد مطالعه قرار بگیرد می‌توان جهان‌بینی منطبق با قواعد دموکراسی را از شیوه اداره جامعه مسلمین توسط ایشان استخراج کرد.

وقتی می‌خواهید دموکراسی را در جامعه‌ای محقق کنید باید روی اصول کلی آن جامعه توافق کنید و همه بر این توافق پایبند باشند. در دموکراسی ادبیات این نیست که "من چنین اعتقادی دارم" یا "من اینطور فکر می‌کنم". با "من" نمی‌توان دموکراتیک بود. هر زمان در کشورهای اسلامی "من اعتقاد دارم" ها کنار رفت و سطحی از قراردادهای و توافقات اجتماعی حکم‌فرما شد می‌توان گفت جوامع اسلامی هم در مسیر دموکراسی حرکت می‌کنند.

آیا می‌توان وقایع سال ۸۸ در ایران را یک نمونه از شکست دموکراسی خواهی بدانیم؟

نه، وقایع سال ۸۸ از جنس دیگری است. اتفاقاً در میان کشورهای اسلامی منطقه، ایران از جمله جوامعی است که در مقایسه با سایر کشورها بستر اجتماعی مساعدتری برای پذیرش دموکراسی دارد. جامعه ایران در سال ۸۸ و به‌ویژه در وقایع سال گذشته دموکراسی خواهی خود را نشان داد.

بهترین مثال در منطقه انتخابات مصر بعد از انقلاب عربی است. محمد مرسی در سال ۲۰۱۱ در انتخاباتی کاملاً دموکراتیک در مصر به مقام ریاست جمهوری رسید ولی خروجی این رأی حداکثری و انتخابات دموکراتیک به زندانی شدن محمد مرسی ختم شد. یکی از دلایل مهم این اتفاق عدم وجود بسترهای اجتماعی برای استقرار دموکراسی در مصر بود.

اگر امروز در جهان اسلام بسترهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی لازم برای پذیرش دموکراسی و حکومت مردمی فراهم نیست و با حکومت‌های بسته‌ای روبه‌رو هستیم، دلایل زیادی را می‌توان برشمرد. مثلاً در حوزه اقتصادی باید اشاره کرد که بیشتر این حکومت‌ها برای اداره کشور به مالیات وابسته نیستند و با فروش نفت و گاز منابع مالی مورد نیازشان را به‌دست می‌آورند. وقتی حکومت خودش کارفرما است، پاسخ‌گوی مردم‌اش نخواهد بود.



اراده ملت، فائزه صدر: حاکمیت‌ها در بیشتر کشورهای منطقه خودکامه و مستبد هستند. ملت‌های منطقه در طول تاریخ بارها و بارها علیه استبداد حاکمان خود قیام کرده‌اند. بعضاً دولت‌هایی مردمی تشکیل شده و این جوامع هم انتخابات را تجربه کرده‌اند اما آنچه در ادامه رخ داده نشان می‌دهد عمر دموکراسی در خاور میانه چندان طولانی نیست. اراده ملت در گفت و گویی با سید عطا تقوی اصل به بررسی این موضوع پرداخته که در ادامه می‌خوانید:

چرا نمی‌توان در عموم کشورهای اسلامی شاهد دموکراسی فراگیری بود که در خدمت منافع جامعه باشد؟

تحقق دموکراسی و اینکه دموکراسی منجر به تحولاتی اساسی در همه حوزه‌ها گردد، به پیش زمینه و پیش شرط‌هایی جامعه شناختی در جامعه نیاز دارد. به این معنا که جامعه هم از نظر اعتقادی و هم از نظر باورهای شخصی شرایط تحقق دموکراسی را داشته باشد.

دموکراسی امری دستوری نیست. حتی نمی‌توان گفت دموکراسی را می‌شود با برگزاری یک انتخابات محقق کرد. تحقق دموکراسی امری تدریجی و ظریف است و در طول زمان در ذهن، رفتار و کردار تک تک افراد جامعه نهادینه می‌شود.

تنها با این روند تدریجی و زمان‌بر در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌توان یک جامعه را دموکراتیزه کرد. وگرنه نه می‌شود دموکراسی را وارد کرد و نه می‌توان با انتخاباتی حداکثری، حکومت به



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

الگو را پیاده کرده است.

دموکراسی مبنای توسعه است اما چین یک استثنا است. چین کشوری بدون دموکراسی است ولی کاملاً توسعه یافته است. اگر چه چین به ساز و کار دموکراتیک پایبند نبوده ولی ابزارهای لازم برای توسعه را فراهم کرده است. از جمله این ابزارها می توان به امنیت، اقتصاد آزاد و روابط گسترده در حوزه سیاست خارجی اشاره کرد. توجه به الگوی توسعه در چین باعث شده در داخل کشور ما هم این ایده مطرح شود که شاید حکومتی اقتدار گرا بهتر از حکومتی دموکراتیک بتواند شاخص ها را بهبود ببخشد.

در کشورهای اسلامی با مدل های گوناگونی از حکومت روبه رو هستیم که هر کدام ویژگی ها خاص خود را دارند. در مصر و پاکستان نظامیان دخالت بالایی در حاکمیت دارند. در پاکستان بستر دموکراتیک بسیار ضعیف است و ارتش مستعد کودتا است. در ایران نزدیک به یک قرن از جنبش تنباکو تا انقلاب اسلامی، دموکراسی تمرین شده تنها کشور اسلامی منطقه که توانسته در دموکراسی خواهی از ایران پیش بیفتد ترکیه است.

در ترکیه هم وضعیت به همین صورت بود و نظامیان قدرت برتر بودند، ولی اردوغان ریسک کرد و تا سرنگونی پیش رفت اما موفق شد دست نظامیان را از تصمیمات سیاسی کوتاه کند و دموکراسی مدیریت شده ای را به اجرا بگذارد. در عربستان حکومت در دست یک قبیله است. در امارات نیز مدل حکومتی به همین صورت است.

می توان به حرکت این کشورها در الگو برداری از مدل توسعه چین امیدوار بود چون این توسعه نهایتاً در میان مدت و دراز مدت می تواند منجر به تحقق دموکراسی برای این کشورها شود.

از سویی عامل مذهب هم باید در نظر گرفته شود. تعبیر و تفاسیر مختلفی از دین اسلام در این کشورها وجود دارد که بعضاً قرائت ها سخت گیرانه است و نگاهی از بالا به پایین نسبت به جامعه وجود دارد. از این رو حداقل تا یک دهه نمی توان امیدوار بود که دموکراسی تمام عیاری در کشورهای جهان اسلام برقرار شود.

متأسفانه باید به این نکته نیز اشاره کرد که بخش عمده ای از رهبران کشورهای اسلامی توانمندی لازم برای سیاست ورزی را ندارند. این طیف عموماً در رشته هایی غیر از رشته های علوم انسانی تحصیل کرده اند.

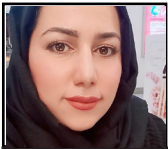
بیشتر رهبران سیاسی در منطقه مهندسان یا پزشکان جوامع خود بودند که درکی علمی و آکادمیک از تحولات اجتماعی نداشتند و در برهه های حساس ظرافت ها و پیچیدگی های جامعه شناختی را تشخیص ندادند. این طیف با حرکت هایی آرمان گرایانه به دنبال دموکراسی رفتند و عموماً ناکام ماندند.

با توجه به الگو برداری کشورهای منطقه از توسعه اقتصادی چین، آیا می توان گفت کشورهای اسلامی به سمت شیوه حکمرانی اقتدارگرا، غیر دموکراتیک ولی همراه با آزادی های اجتماعی و روابط گسترده با جهان خواهند رفت؟

اگر امروز راه چین در منطقه دنبال می شود و متوجه الگو برداری کشورهای اسلامی از حکمرانی در پکن هستیم به ما نشان می دهد که تلاش ها به سمت توسعه و مدرنیته عموماً در کشورهای اسلامی منطقه به شکست خورده ولی میل و اراده آن هنوز وجود دارد. الگوی چین در زمان ماهاتمیر محمد در مالزی امتحان شد و امروز عربستان این



پشت پرده توافق ایران و عربستان



فائزه صدر

Faehsadr7@gmail.com

بن سلمان برای منحرف کردن افکار عمومی بهانه‌ای بهتر از ایران نداشت. ایران در حوزه‌های مختلفی از جمله سوریه با حمایت از بشار اسد افکار عمومی عربستان را ناراضی کرده بود. فضای رسانه‌های عربی افکار عمومی را برای خشمگین شدن از ایران آماده کرده بودند و بن سلمان از این بستر بهره برداری کرد. در ایران هم ماجرای فرودگاه جده فراموش نشده بود و افکار عمومی برای تنش با عربستان آمادگی داشت. دو کشور از نظر فضای اجتماعی در دوره‌ای قرار گرفتند که بستر تنش آفرینی فراهم بود. ولی بن سلمان آگاهانه و با طرح و هدف گذاری وارد نزاع با ایران شد. تا از فضای ایجاد شده برای انحراف افکار عمومی و تثبیت خود در قدرت بهره ببرد.

بعد از ۷ سال تنش در روابط دو کشور و جنگ خونین یمن چطور عربستان به یکباره احساس می کند که دیگر به برگ تنش با ایران نیاز ندارد؟ آیا توافق هم برگ دیگری برای عربستان است؟

مدتها بود که نیاز به تغییر رویکرد در عربستان احساس می شد. هزینه بالای جنگ یمن و نیازی که بن سلمان به خروج محترمانه از این بحران داشت و همچنین استمرار پیدا کردن مسیر رشد اقتصادی موجب شد تا سعودی‌ها به سمت توافق با ایران حرکت کنند.

عربستان با ظهور بن سلمان رفتارهای غیر عادی زیادی نشان دادند. تهدید و وعده و بیعت گرفتن اجباری از او، زندانی کردن تعداد بالایی از تجار عربستان، حصر خانگی شاهزاده‌های سعودی، زندانی کردن نخست‌وزیر لبنان، ماجرای قتل جمال خاشقچی روزنامه‌نگار مخالف و یا جنگ یمن که همه و همه فضای رسانه‌ای منطقه و جهان را علیه عربستان سعودی و شخص بن سلمان به اتفاق نظر رساند. عربستان یک دوره پر تنش و پرافت و خیز را از سر گذرانده و قطعاً امروز تجربه و عقلانیت بیشتری دارد و در عرصه تصمیم گیری با وضعیت با ثبات تری عمل خواهد کرد.

فراموش نکنیم که یمن استخوان لای زخم بود. عربستان مدت‌ها است که می‌خواست به هر ترتیبی که شده این بحران را خاتمه بدهد.

به نیازهای عربستان و نقش توافق برای سعودی‌ها اشاره شد، از نگاه دولتمردان ایران توافق چه آورده‌ای برای کشورمان دارد؟



اراده ملت، فائزه صدر: با اینکه توافق اولیه میان ایران و عربستان در اسفند ماه سال گذشته و در جریان دیدار مشاوران امنیت ملی دو کشور در چین به امضا رسید، اما مقامات این توافق طی چندین دور گفتگو پیش از پکن، در بغداد و عمان جریان داشت. با این حال انتشار خبر صلح میان دو کشور بسیار غیر منتظره بود. گویی هر دو کشور متن توافق را در دست داشتند و تنها مورد باقیمانده توافق بر سر زمان انتشار خبر بود. همان طور که هر دو کشور هفت سال پیش آماده تقابل و قطع روابط با یکدیگر بودند. اراده ملت در گفت و گویی با قاسم محب علی دیپلمات پیشین به بررسی این نزاع و توافق می‌پردازد که در ادامه می‌خوانید:

منشأ اختلافات ایران و عربستان چه بود و مجموع چه مسائلی در دی ماه ۹۴ منجر به بسته شدن فضای دیپلماتیک میان دو کشور شد؟

بن سلمان پس از کودتا علیه جانشین پدرش، ولیعهد عربستان و سایر مخالفانش، قدرت را در دست گرفت. از آن تاریخ تا مدتی نسبتاً طولانی عربستان دستخوش تغییر تحول بود. و تغییرات ژئوپلیتیکی مهمی را حول محور جانشینی تجربه کرد.

مدیریت این دوره و حوادثش برای بن سلمان سخت بود اگر چه او با استبداد ویژه سعودی‌ها سعی داشت شرایط را کنترل کند؛ اما تبعات کودتای بن سلمان تا مدت‌ها گریبان گیر عربستان سعودی بود.



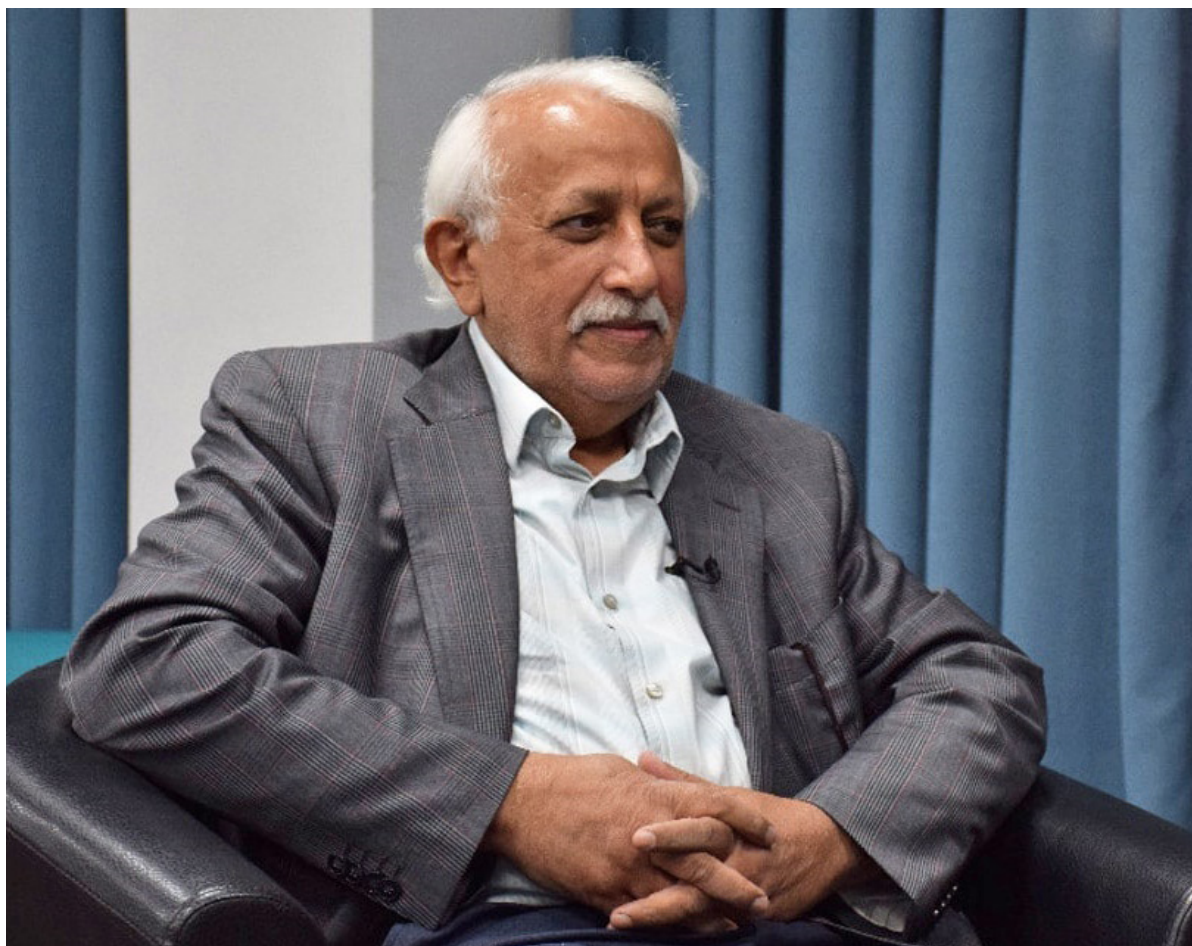
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

امنیتی برای ایران اهمیت بالایی دارد و می‌تواند گسترش فضای ایران هراسی در منطقه را کند و متوقف کند. در فضای صلح بین ایران و عربستان، خیال ایران از چالش با گروه‌های اسلام‌گرای تندرو نظیر داعش، القاعده و طالبان راحت‌تر است. کاهش تنش‌های منطقه‌ای هم هزینه‌های امنیتی ایران را کاهش می‌دهد و هم هزینه‌های امنیتی طرف مقابل را می‌کاهد. توافق و از سرگیری روابط عربستان و ایران می‌تواند با جلوگیری از پیشرفت سریع پروژه ابراهیم، خط مقدم اسرائیل پشت مرزهای ایران را بشکند. همچنین با این توافق نفوذ ایالات متحده در خاورمیانه کمتر از این می‌شود. چین روابط خوبی با ایران دارد و حجم بالایی از روابط اقتصادی را با سعودی‌ها شروع کرده همین مساله نقش آمریکا در منطقه را به چین محول خواهد کرد. خواسته ایران همین است ولی همان طور که اشاره کردم نمی‌توان به بهره اقتصادی این توافق امیدوار بود.

آنچه در پشت درهای بسته گفته می‌شود و مورد توافق واقع شده برای ما پوشیده است و ما از نگاه بیرونی و براساس تحلیل‌های موجود و با یک تصویر هوایی به توافق نگاه می‌کنیم. یکی از مسائلی که در زمان توافق برجسته بود مساله عدم حمایت عربستان از رسانه‌های اپوزیسیون بود. در صحبت‌های مقامات شنیده می‌شد که تلویزیون ایران اینترنشنال را مسبب تنش‌های چند ماه اخیر ایران معرفی می‌کنند. احتمالاً با این توافق طرف سعودی پذیرفته است که هزینه این کانال تلویزیونی را کاهش دهد یا قطع کند. در دوره‌های قبل این مشکل با آمدنیوز وجود داشت و در ماه‌های اخیر ایران اینترنشنال محرک بود و به فضای اعتراضات دامن می‌زد. من به آورده اقتصادی توافق خوش بین نیستم چون هر گونه گشایش اقتصادی و ورود ارز به کشور منوط به حل پرونده هسته‌ای ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و برداشته شدن تحریم‌ها است. اما توافق با عربستان سعودی به‌عنوان لیدر کشورهای عربی، از نظر



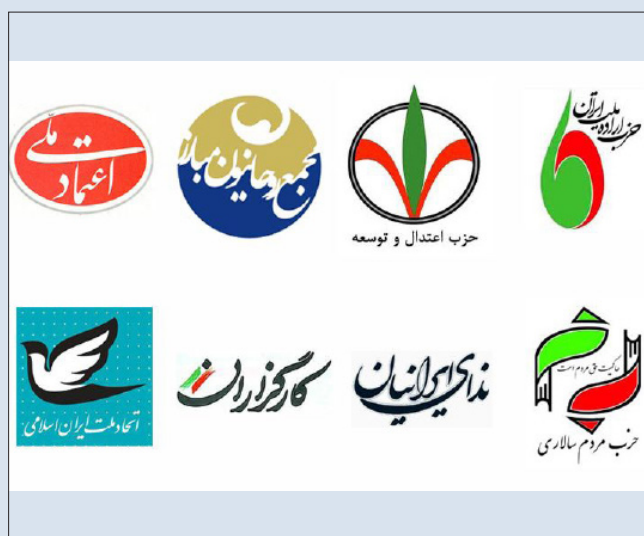
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲



تاریخ احزاب سیاسی ایران





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

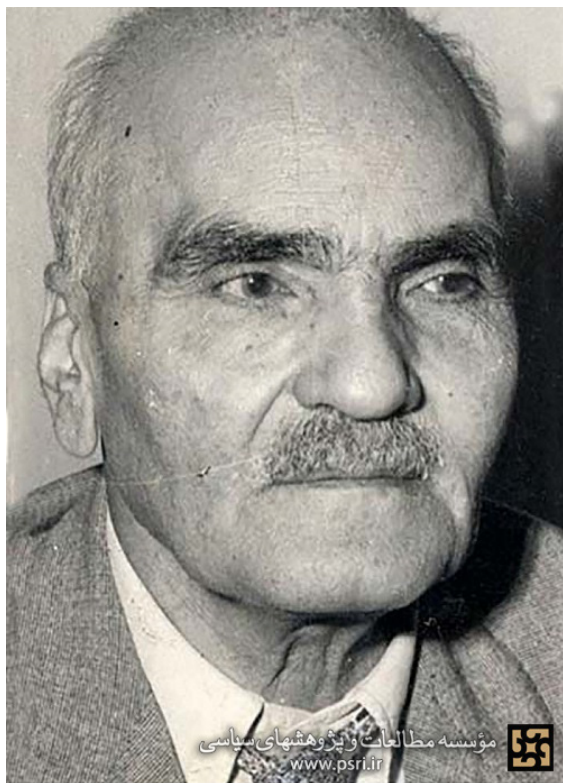
۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

تاریخ احزاب سیاسی ایران (۱۰)

فرقه دموکرات و مجلس دوم مشروطه

نمایندگان بیشتر و برای ایل‌های بختیاری، قشقایی و ترکمن نیز کرسی نمایندگی در نظر گرفته شد. در مورد محرومیت از حق رأی دادن نیز معروفیت به فساد عقیده، به شرط خروج از دین اسلام و اثبات آن نزد حاکم شرع تعیین شده بود.

پس از برکناری محمدعلی شاه از سلطنت، عضدالملک نایب السلطنه فرمان برگزاری انتخابات را صادر کرد. او دولت را به رعایت آزادی در انتخابات توصیه کرد و بقای مشروطه را در حق انتخاب نماینده توسط مردم دانست. در این انتخابات مشکلات زیادی از قبیل عدم توان اجرا در پهنه گسترده ایران، بی‌تجربگی و تمرکز و تسلط برگزار کنندگان انتخابات و مجلس و دولت و سایر عوامل مانند قحطی، ناامنی، فقر و بی‌سوادی عمومی عواملی بودند که مانع برگزاری انتخابات واقعی و در شرایطی عادی می‌شدند. طبق قانون جدید انتخابات، دوره دوم مجلس با حضور تعداد نصف به علاوه یک از نمایندگان افتتاح شد. نمایندگان بخش‌های دیگر کشور نیز به مرور به جمع نمایندگان می‌پیوستند. مجلس دوم با ۶۱ تن از نمایندگان گشایش یافت و حزب اعتدالیون با ۵۳ کرسی اکثریت را در دست گرفت.



مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
www.psri.ir

ابتدای سال ۱۴۰۱ و بعد از پیشنهاد یکی از جوانان حزبی مبنی بر تهیه پادکست‌هایی در رابطه با احزاب سیاسی، این ایده در واحد انتشارات حزب اراده ملت ایران شکل گرفت که با توجه به منابع موجود، جای کتابی ساده و موجز اما کامل در حوزه تاریخ احزاب سیاسی ایران خالی است. لذا جلساتی با اساتید صاحب‌نظر برگزار شد تا شاید بتوانیم این نقیصه را جبران نماییم.

بعد از ساعت‌ها تفکر و تعمق و بررسی الگوهای موجود، تصمیم نهائی بر این شد که کتابی در چهار جلد مجزا و بر اساس روند تاریخی به این موضوع اختصاص یابد. الگوی کار نیز نمونه کتاب‌های تاریخ برای جوانان و نوجوانان نشر ققنوس قرار داده شد که نثری روان همراه با توصیحات ساده و موجز داشتند.

برای اینکار گروهی پنج نفره از جوانان حزبی در قالب کارگروه تاریخ احزاب سیاسی ایران در حزب شکل گرفت و ایشان تحت نظارت یک استاد شناخته شده تاریخ، کار بررسی منابع و مآخذ را برای تدوین این مجموعه چهار جلدی آغاز کردند.

با توجه به کثرت منابع و مآخذ و وسواس‌هایی که معمولاً در اینگونه کارها وجود دارد، فرایند تدوین این مجموعه چهار جلدی به طول انجامید. لذا بر آن شدیم با استفاده از فضایی که نشریه حزب در اختیار ما قرار می‌داد، بخش‌هایی از این کتاب را بتدریج برای خوانندگان محترم منتشر کنیم تا زمانی که متن کامل کتاب‌ها آماده شود.

(در بخش‌های قبلی این نوشتار بعد از بحث تعاریف و اصطلاحات مرتبط با احزاب سیاسی و وضعیت احزاب در قفقاز و عثمانی؛ به شکل گیری احزاب سیاسی در ایران قبل و بعد از انقلاب مشروطه پرداختیم. اینک بخش دهم این نوشتار تقدیم می‌گردد.)

بخش دهم: حزب دموکرات در مجلس دوم مشروطه

در بخش نهم این نوشتار در مورد تشکیل مجلس دوم مشروطه و جناح بندی احزاب در آن صحبت کردیم. در این شماره می‌پردازیم به حزب یا فرقه دموکرات و نقش کلیدی آن در مجلس دوم.

فرقه دموکرات در مجلس دوم

همان طور که گفته شد انتخابات مجلس دوم شورای ملی در سال ۱۲۸۸ پس از دوره استبداد صغیر برگزار و مجلس در روز ۲۸ آبان ماه همان سال گشایش یافت. دومین نظام‌نامه انتخابات برای مجلس با انتخابات اولین دوره مجلس تفاوت اساسی داشت در این نظام‌نامه نمایندگان صنفی نبوده و به روش غیر مستقیم و دو مرحله‌ای انتخاب می‌شدند. طبق قانون شمار نمایندگان از ۱۶۰ تن به ۱۲۰ تن کاهش یافت؛ اقلیت‌های دینی (شامل مسیحی، یهودی و زرتشتی) دارای



هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶
۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

فرقه دموکرات که به نام‌هایی چون فرقه دموکرات ایران، حزب دموکرات عامیون، و جمعیت عامیون ایران نیز شناخته می‌شود متشکل از گروهی روشنفکران سوسیالیست با گرایش‌های انقلابی به رهبری سید حسن تقی‌زاده بود و یکی از دو جناح مهم مجلس دوم به‌شمار می‌رود. خاستگاه اصلی حزب دموکرات، قفقاز بود. حزب دموکرات براساس تشکل «اجتماعیون عامیون ایران» یا «کمیته سوسیال دموکرات ایران» - که در سال ۱۳۲۳ قمری/ ۱۲۸۴ خورشیدی در بادکوبه (باکو) به وجود آمده بود- پایه‌ریزی شد. پس از فتح تهران و گشایش دوره دوم مجلس شورای ملی در ۱۲۸۸ خورشیدی چند حزب از جمله حزب دموکرات امکان فعالیت یافتند.

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، بنیان‌گذاران و اعضای کمیته مرکزی دموکرات‌ها عبارت بودند از محمود محمود (رئیس کمیته مرکزی)، سید حسن تقی‌زاده (رهبر حزب در مجلس)، محمدرضا مساوات، میرزا محمدطاهر تنکابنی، شیخ ابراهیم زنجانی، حسین‌قلی‌خان نواب، سلیمان میرزا اسکندری، عبدالحسین خان وحیدالملک، ابراهیم حکیم‌الملک، احمد قزوینی عمارلو، مهدیقلی هدایت، میرزا باقر آقای قفقازی، محمدامین رسول‌زاده، و حیدرخان عموآوغلی.

مرام‌نامه حزب یک مقدمه کلی و هفت‌بند در رابطه با امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و قضائی را دربرمی‌گرفت و در مجموع ۳۲ ماده داشت. بخشی از این مواد عبارت بودند از: «انفکاک کامل قوه سیاسیه از قوه روحانیه» (سکولاریزم)، ایجاد نظام اجباری (خدمت سربازی)، تقسیم املاک بین رعایا (اصلاحات ارضی)، قانون منع احتکار، تعلیم اجباری، تأسیس بانک کشاورزی، و اولویت مالیات مستقیم بر غیرمستقیم.

هر چند که در مرام‌نامه فرقه صحبت از تفکیک دین از دولت یاد شده بود اما از حمایت برخی از اقشار مذهبی نیز برخوردار بود. احمد قزوینی از علمای مشروطه خواه نجف که در جنگ تبریز شرکت کرده بود و شیخ ابراهیم زنجانی که پسر یکی از روحانیون به نام از حامیان دموکرات‌ها بود. زنجانی فراماسون بود. نماینده دور اول مجلس شد و در دادگاه شیخ فضل‌الله نوری مدعی العموم بود. شیخ محمد خیابانی که بیشتر به نفع دموکرات‌ها رأی می‌داد، عضو انجمن تبریز بود. او روحانی خوشنام و از خطیبان نیرومند آذربایجان بود که در زمان جنگ داخلی به صفوف مجاهدین پیوسته بود. یک دهه بعد، او رهبر نهضت ملی در آذربایجان شد که قیام خیابانی نام گرفت. حیدر لطیفیان از رهبران نبرد رباط کریم در مقابل نیروهای روسیه در طی جنگ جهانی اول، از حامیان فرقه دموکرات بود.

هر چند که در برنامه حزبی محدود کردن عشایر از خواسته‌های حزب بود اما این مانع از عضویت صولت‌الدوله در حزب نشد. او ایلخان قشقای در دوره قاجار و اوایل پهلوی بود و در دوره‌های پنجم و هشتم نماینده مجلس شورای ملی شد.

هم‌چنین حزب دموکرات دارای حوزه‌ها، مجالس محلی، کمیته‌های محلی، کنفرانس‌های ایالتی، کمیته‌های ایالتی کنگره‌های عمومی، کمیته مرکزی و شعبه پارلمانی بود. پس از ساماندهی حزب در تهران، در قزوین و تبریز و سمنان و دامغان و شاهرود و رشت شعبه‌هایی تأسیس شد. شعبه رشت روزنامه بیداری را به صاحب‌امتیازی حسین جودت منتشر می‌کرد و با نهضت جنگل همکاری داشت. ارگان شعبه تهران، روزنامه ایران نو بود. روزنامه شفق در تبریز منتشر می‌شد، و روزنامه نوبهار ارگان حزب دموکرات در خراسان بود.

حزب دموکرات نخستین رقابت سیاسی خود را با رقیب اصلی خود، حزب اجتماعیون اعتدالیون، در انتخاب نایب‌السلطنه پس از مرگ علی‌رضا عضدالملک در نیمه شهریور سال ۱۲۸۹ خ آغاز کرد. با انتخاب ناصرالملک قره‌گوزلو، نامزد اعتدالیون به این سمت، دموکرات‌ها شکست خوردند. ناصرالملک که تحصیل کرده انگلیس بود، قائل به اجرای

اصول دموکراسی در ایران بود. در نتیجه پیگیری‌های وی در دوره دوم مجلس، احزاب که تا آن زمان مخفیانه فعالیت می‌کردند، دسته پارلمانی (فراکسیون) خود را به‌طور رسمی و علنی به مجلس معرفی کردند. نمایندگان دموکرات در مجلس دوم ۲۸ نفر بودند، ولی ائتلاف حزب اعتدالیون با دیگر نمایندگان سبب شد تا اعتدالیون اکثریت را در مجلس در دست داشته باشند

دودستگی و رقابت میان احزاب دموکرات و اعتدالیون در مجلس دوم به کشمکش و در نهایت به خشونت انجامید. از سویی ترور میرزا حسن خان امین‌الملک و سید عبدالله بهبهانی - از چهره‌های حزب اعتدالیون - در سال ۱۲۸۹، به دموکرات‌ها نسبت داده شد. اوضاع سیاسی رو به وخامت گذاشت. تقی‌زاده (رهبر حزب) تبعید شد. اعتدالیون نیز علی‌محمدخان تربیت، خواهرزاده تقی‌زاده، و عبدالرزاق خان همدانی - از چهره‌های حزب دموکرات - را ترور کردند

در غیاب تقی‌زاده، رهبری حزب دموکرات را سلیمان میرزا اسکندری برعهده گرفت. در ۱۳۲۹ ق / ۱۲۹۰ خ، مجلس دوم در پی روس‌ها در خصوص اخراج مورگان شوستر، مستشار مالی امریکایی، دچار تنشج شد.

دموکرات‌ها، که از برنامه و اصلاحات مالی شوستر پشتیبانی می‌کردند، با دولت درباره ادامه مأموریت او درگیر شدند. سرانجام، دولت شوستر را از ایران اخراج و مجلس را تعطیل نمود و برخی از رؤسای دموکرات‌ها را به قم و دو تن از آنان - وحیدالملک و حسینقلی‌خان نواب - را به اروپا تبعید کرد. مجمع ادب - وابسته به دموکرات‌ها - پلمب شد. روزنامه ایران نو و جانشین بعدی آن ایران نوین نیز توقیف شدند.

دموکرات‌ها در مجلس دوم، در موضع دسته اقلیت قدرتمند مجلس، کابینه اول سپهدار را در رجب ۱۳۲۸ و ادار به استعفا کردند. پس از آن، مستوفی‌الممالک در کابینه خود بیشتر وزیرانش را از میان دموکرات‌ها و طرفداران آنان انتخاب کرد.

از آن پس تا افتتاح مجلس سوم در ۱۳۳۳، در دوره زمامداری مطلق ناصرالملک (نایب‌السلطنه وقت، از ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ قمری)، حزب



دموکرات در نتیجه فشار ناصرالملک و انگلیس و روسیه، دچار رکود شد. در انتخابات مجلس سوم، که بخشی از آن قبل از سقوط ناصرالملک صورت گرفت، دموکرات‌ها با وجود سخت‌گیری‌های وی، ۳۱ کرسی مجلس را به خود اختصاص دادند و برخلاف دوره پیش، در نتیجه ائتلاف



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

حیدر خان عمواوغلی

حیدر خان عمواوغلی، از قهرمانان جنبش مشروطه ایران، در سال ۱۲۵۹ ه ش در گیومری به دنیا آمد.

وی پس از اخذ مدرک تحصیلی در رشته مهندسی برق، ضمن سفر به باکو در آنجا همراه دوستانش فعالیت های حزبی خود را آغاز کرد. این همراهی منجر به تأسیس حزب «جتماعیون عامیون» یا همان سوسیال دموکرات شد.

حیدر خان به فعالیت سیاسی در زمینه ترویج آزادی خواهی پرداخت و پس از صدور فرمان مشروطه توسط مظفرالدین شاه به تشکیل فرقه مخفی و آموزش نظامی به اعضای گروه خود روی آورد. در دوران استبداد صغیر ناچار به قفقاز گریخت، اما دیری نپایید که برای کمک به ستار خان به تبریز بازگشت.

همچنین بعد از فتح تهران در سال ۱۳۲۷ ه ق، فرقه دموکرات را در بیرون مجلس تشکیل داد. اهم دستاوردهای فرقه انتخابات آزاد، برابری، حقوق زنان و صنعتی کردن کشور بود.

سرانجام در جریان اختلافات نهضت جنگل، پنجم آبان ۱۳۰۰ ه ش به دست نیروهای میرزا کوچک خان کشته شد.

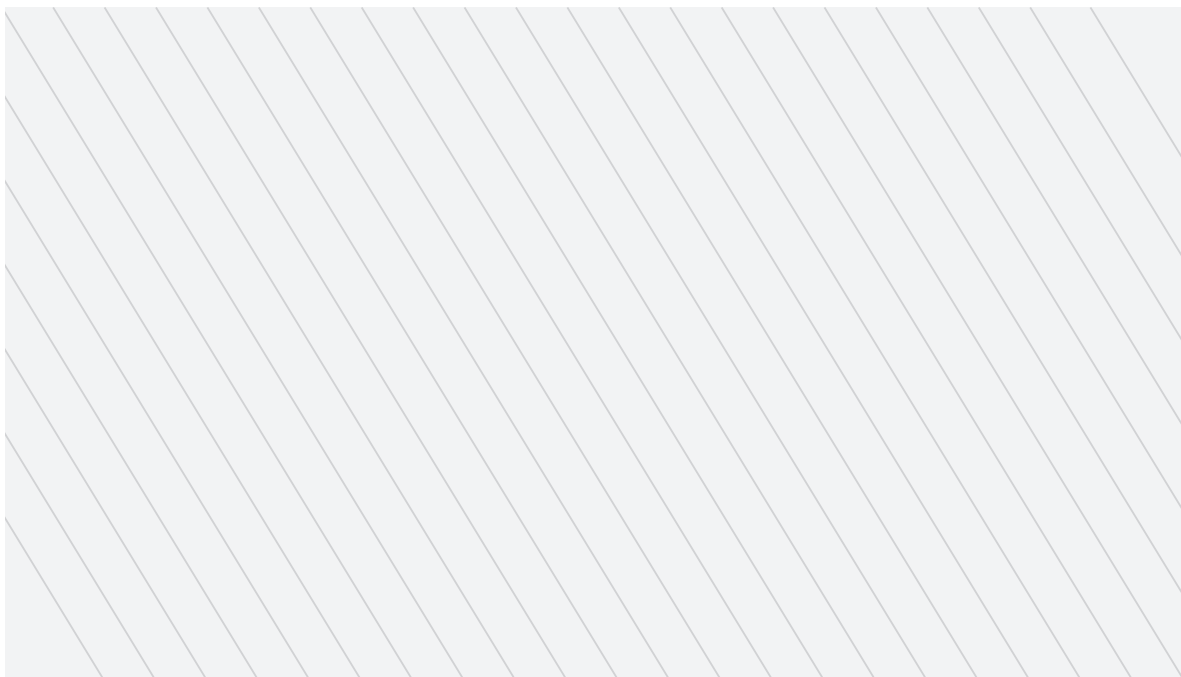


نمایندگان بی طرف و دسته ای از اعتدالیون با آنها، اکثریت قدرتمند مجلس سوم شدند. عامل اصلی تدام دموکرات ها، گسترش شبکه حزب در شهرستان ها بود.

قرارداد سن پترزبورگ در سال ۱۹۰۷

قرارداد ۱۹۰۷ میلادی برآیند رقابت های پیدا و پنهان امپراتوری های انگلستان و روسیه در عرصه روابط بین الملل در آغاز قرن بیستم بود. این قرارداد در ۸ شهریور ۱۲۸۶ درباره سه منطقه ایران، افغانستان و تبت در سن پترزبورگ منعقد شد. این پیمان آخرین قدم در راه ایجاد تفاهم مثلث بود و با حل مشکلات بین بریتانیا و روسیه، این دو کشور همراه با فرانسه در برابر اتحاد مثلث، متحد گرد. در این قرارداد ایران به سه بخش تقسیم شد: شمال از آن روسیه، مرکز به عنوان منطقه بی طرف، و جنوب به عنوان ناحیه نفوذ انگلستان تعریف شد. پس از جنگ جهانی اول بریتانیایی ها با اشغال بوشهر به سوی شیراز پیشروی کردند و مناطق جنوبی ایران را به تصرف خود درآوردند. هم چنین افغانستان به عنوان منطقه نفوذ بریتانیا به رسمیت شناخته شد. نیروهای بریتانیا از تبت خارج شدند و حاکمیت چین در این منطقه به رسمیت شناخته شد.

این پیمان نامه بدون آگاهی یا مشارکت دولت ایران در زمان اوج جنبش مشروطه امضا شد از این رو سرانجام با پاسخ تند مجلس شورای ملی رو به رو شد. پس در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۰۷ ایران را رسماً در جریان قرار دادند. با وجود اعتراضات ایران به این قرارداد، مواد آن عملاً اجرا می شد و در زمان جنگ جهانی اول نیز به بهانه جنگ با عثمانی، مناطقی از ایران مدتی به اشغال روسیه و بریتانیا درآمده بود. روس ها تا زمان انقلاب اکتبر بر حفظ منافع به دست آمده شان از این قرارداد اصرار داشتند. پس از انقلاب اکتبر، در ۲۷ دی ۱۲۹۶ خورشیدی (۱۹۱۸ میلادی) این قرارداد عملاً ملغی شد. این پیمان نامه با قرارداد ۱۹۱۹ چندان بی ارتباط نبود.





رویدادهای منتخب جهان



جهان در هفته‌ای که گذشت

سپرده گذاری ۲ میلیارد دلاری عربستان در پاکستان



پاکستان روز سه شنبه اعلام کرد سپرده‌ای به مبلغ دو میلیارد دلار از عربستان دریافت کرده که ذخایر ارزی این کشور را تقویت می‌کند. به گزارش «الخلیج آنلاین» اسحاق دار، وزیر دارایی پاکستان در توییتر خود اعلام کرد که بانک مرکزی کشورش سپرده مالی به ارزش دو میلیارد دلار از عربستان دریافت کرده است. وی توضیح داد که سپرده عربستان موجب افزایش ذخایر ارزی پاکستان خواهد شد. این مقام پاکستانی که کشورش از نوسانات در تأمین ارز رنج می‌برد، گفت که اثر این سپرده در ذخایر ارزی هفته منتهی به ۱۴ ژوئیه بازتاب خواهد داشت. گفتنی است در دسامبر گذشته عربستان اعلام کرد که سپرده ۳ میلیارد دلاری خود در بانک مرکزی پاکستان را تمدید می‌کند. همچنین در نوامبر ۲۰۲۱ صندوق توسعه عربستان و بانک مرکزی پاکستان توافق نامه‌ای برای پرداخت سپرده ۳ میلیارد دلاری عربستان به بانک مرکزی پاکستان را به مدت یک سال امضا کردند.

حمایت واشنگتن از پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا پس از تغییر موضع اردوغان



همزمان با اعلام موافقت آنکارا با بررسی انضمام سوئد به ناتو در پارلمان ترکیه، مشاور امنیت ملی آمریکا گفت که کشورش از پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا حمایت می‌کند. به گزارش «الجزیره» سولیوان در کنفرانس مطبوعاتی در لیتوانی (پیش از برگزاری اجلاس ناتو) از حمایت جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا از تحویل جنگنده‌های اف ۱۶ به آنکارا خبر داد.

بایدن پیش از این از پایبندی ترکیه به انتقال پروتکل پیوستن سوئد به پارلمان ترکیه استقبال کرد. در بیانیه کاخ سفید اشاره به سرنوشت قرارداد جنگنده‌های اف ۱۶ اشاره‌ای نشده است. وی افزود که ترکیه مذاکراتی با دولت بایدن در خصوص تعلیق فروش جنگنده‌های اف ۱۶ به آنکارا است.

رایزنی وزرای دفاع آمریکا و ترکیه درباره حمایت نظامی از آنکارا



به گزارش روسیا الیوم، دو طرف طی تماسی تلفنی پس از اعلام حمایت ترکیه از پیوستن سوئد به پیمان ناتو گفت‌وگو کردند. پنتاگون اعلام کرد که وزرای دفاع دو کشور، مذاکرات مثبت بین ترکیه و سوئد و دبیر کل ناتو و حمایت وزارت دفاع آمریکا از نوسازی ناوگان نظامی ترکیه را بررسی کردند. ترکیه در اکتبر ۲۰۲۱، برای خرید جنگنده‌های اف ۱۶ آمریکا به ارزش ۲۰ میلیارد دلار درخواست داد.

وزیر دارایی کویت استعفا کرد



رسانه‌های عربی از استعفای وزیر دارایی کویت خبر دادند. یک روزنامه کویتی به نقل از منابع آگاه گزارش داد که «مناف الهاجری»، وزیر دارایی کویت در پی اختلافات داخل دولت و سرگردانی در اتخاذ تصمیمات اقتصادی و مالی استعفای خود را تحویل نخست‌وزیر این کشور کرد. منابع القیس دلیل استعفای وزیر دارایی کویت را «اختلافات بر سر واگذاری وابستگی سازمان سرمایه‌گذاری کل کویت به وزیر امور اقتصادی و سرمایه‌گذاری» عنوان کردند. بر اساس این گزارش، «جدایی بین وزارت دارایی و وزارت امور اقتصادی باعث ایجاد نوعی سردرگمی و عدم شفافیت در بین مسئولان مربوطه شده شده است».



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

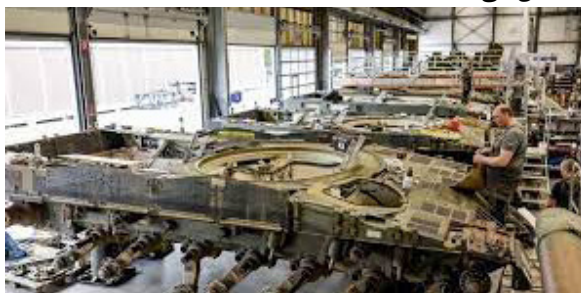
۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

فرانسه موشک های دوربرد به اوکراین ارسال می کند



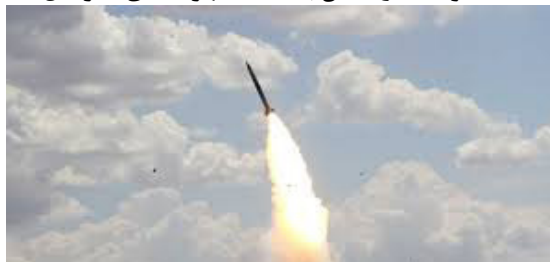
به گزارش روسیالیوم، «امانوئل ماکرون»، رئیس جمهور فرانسه دیروز -سه شنبه- از تصمیم این کشور برای ارسال موشک های دوربرد به کی یف خبر داد. ماکرون در آستانه نشست سران ناتو در ویلنیوس اعلام کرد که فرانسه تصمیم گرفته است موشک های دوربرد جدیدی را به کی یف ارائه دهد که برای نیروهای اوکراینی فرصت انجام حملات عمیق را فراهم می کند. وی گفت: «من تصمیم گرفته ام تا ارسال سلاح و تجهیزات به اوکراین را افزایش دهم تا به آنها اجازه انجام حمله عمیق بدهم. در عین حال ما به دیدگاه اجازه به اوکراین برای دفاع از خود پایبند هستیم».

آلمان کارخانه ساخت تانک و خودروهای زرهی در اوکراین تأسیس می کند



به گزارش راشا تودی، آلمان در اوکراین کارخانه ساخت تانک احداث می کند. مدیر عامل شرکت آلمانی «راین متال» به سی ان ان گفت که ظرف ۱۲ هفته آینده یک کارخانه تولید تسلیحات آلمانی، تانک و خودروهای زرهی در اوکراین افتتاح خواهد کرد. این شرکت ادعا می کند که می تواند سالانه ۴۰۰ تانک در این تأسیسات تولید کند، اما روسیه پیشتر تهدید کرده است که تولید را با حملات موشکی متوقف خواهد کرد. سی ان ان گزارش داد که این کارخانه در غرب اوکراین تأسیس خواهد شد و به طور مشترک توسط «راین متال» و شرکت تسلیحاتی دولتی اوکراین «اوکروبون پرام» اداره می شود.

شلیک موشک از جنین به سمت شهرک های اسرائیل



کانال ۱۴ اسرائیل روز سه شنبه اعلام کرد یک موشک از شهر جنین به سمت شهرک های اسرائیلی مجاور شلیک شده است. به گزارش «النهار» ارتش رژیم صهیونیستی نیز اعلام کرد در حال راستی آزمایی گزارش ها درباره شلیک موشک به سمت شهرک های مجاور جنین است. روز دوشنبه نیز گروه موسوم به کتیبه العیاش، مسئولیت شلیک دو موشک از نوع قسام ۱ به سمت شهرک شاکید در غرب جنین را بر عهده گرفت.

مصر ۱.۹ میلیارد دلار از دارایی های دولتی را فروخت



مصطفی مدبولی، نخست وزیر مصر روز سه شنبه اعلام کرد که این کشور قراردادهایی را برای فروش سهام دارایی های دولتی به ارزش ۱.۹ میلیارد دلار به عنوان بخشی از برنامه تقویت بخش خصوصی و جمع آوری ارز امضا کرده است. به گزارش «النهار» المدبولی در یک کنفرانس مطبوعاتی افزود: پیش بینی می شود تا سال ۲۰۲۶ ورودی سالانه ارز به مصر تا ۷۰ میلیارد دلار افزایش یابد. گفتنی است این کشور با کمبود مداوم در تأمین ارز مواجه است.

احتمال انحلال حزب حاکم روسیه



رادیکال ها به دنبال تغییر همه جانبه قوانین و گرایش های سیاسی تا تبدیل روسیه به عنوان جزئی از غرب هستند. در این جریان سیاسی افرادی چون الکسی ناوالین و ایلیا یاشین دیده می شوند. ناوالین از حزب آینده روسیه مهم ترین منتقد پوتین است که کانال یوتیوب او میلیون ها بیننده دارد. ایلیا یاشین، رهبر حزب پاراناس از افرادی است که در انتخابات ۲۰۱۵ شرکت و در منطقه کراسنولیک مسکو پیروز شد ولی کمیسیون انتخابات به بهانه عدم جمع آوری امضا برای نامزدی، مانع از نامزدی او برای انتخابات ۲۰۱۹ شد. در واقع مقام های روسیه از طریق نفوذ در کمیسیون انتخابات مانع از بالا آمدن شخصیت های منتقد در انتخابات می شوند.



اخبار حزبی



حوزه تهران تشکیل شد



هفتاد و دومین جلسه هیئت دبیران حوزه‌های حزب چهارشنبه هفته گذشته تشکیل جلسه داد. در این جلسه مسعود خادمی دبیر حوزه تهران گزارش خود از اولین و دومین جلسه این حوزه را ارائه کرد. طبق راهبرد جدید هیئت دبیران حوزه‌ها، مقرر شده است در بعضی از استان‌ها یا شهرستانهای حزب که تعداد اعضا رسمی حزب بیش از ده نفر هستند، حوزه‌های جغرافیا محور تشکیل گردد. در هفته قبل نهبوند اولین شهرستانی بود که حوزه‌اش تشکیل شد و در این هفته نیز تهران حوزه خود را بازسازی کرد. استان‌های همدان، سمنان، خراسان رضوی و البرز نیز در آینده‌ای نزدیک حوزه‌های خود را تشکیل خواهند داد. در برنامه جدید حوزه‌ها علاوه بر حوزه‌های جغرافیا محور، حوزه‌های تخصصی، کلاسیک و حوزه مخصوص اعضا جدید الورد پیش بینی شده است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

کتاب داستانی "یک مرد" به ارشاد ارسال گردید



دومین کتاب داستانی انتشارات حزب اراده ملت برای کسب مجوز انتشار به وزارت ارشاد ارسال گردید. بعد از چاپ و ارائه کتاب یک خوشه نور، انتشارات حزب روند چاپ آثار داستانی خود را ادامه داد و هفته گذشته دومین داستان بلند خود را برای انتشار آماده کرد.

ان کتاب داستانی روایت زندگی یک مرد و عشق آتشین اوست. داستان در قالب گفتگوی بین دو شخصی روایت می گردد و ما به تدریج در دنیای تودرتو و رازآلود زندگی یکی از این دو مرد قرار می گیریم. این داستان توسط اکبر صمدی به رشته تحریر درآمده است و احتمالاً تا آخر تابستان منتشر خواهد شد.

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

سومین ویژه نامه نشریه اراده ملت منتشر شد.



بعد از دو ویژه نامه "روز جهانی زن (اسفند ۱۴۰۱)" و "نمایشگاه بین المللی کتاب تهران (اردیبهشت ۱۴۰۲)"، سومین ویژه نامه نشریه اراده ملت منتشر گردید. این ویژه نامه به بررسی و تحلیل برنامه هفتم توسعه می پردازد و بانگاهی موشکافانه نقاط مثبت و منفی این برنامه را عریان می نماید.

لا یحه برنامه هفتم توسعه توسط دولت ابراهیم رئیسی تهیه شده است و اکنون در حال بررسی در مجلس می باشد. این برنامه در صورت تصویب از سال ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۸ عملیاتی خواهد گردید. این ویژه نامه در ... صفحه به همراه شماره ۶۶ نشریه اراده ملت توزیع خواهد شد.

مجوز انتشار کتاب "فریادی بر دیوار" صادر شد.

به گزارش روابط عمومی انتشارات حزب اراده ملت ایران مجوز انتشار کتاب فریادی بر دیوار تألیف و گردآوری زهره رحیمی صادر شده است و این کتاب وارد مرحله صفحه بندی و طراحی جلد شده است. کتاب فریادی بر دیوار شامل حدود ۱۰۰ دیوار نوشته ایرانی و خارجی است که به همت زهره رحیمی گردآوری و ترجمه شده است. ایشان مقدمه مفصلی نیز در مورد هنر گرافیتی و بحث دیوار نویسی بر این کتاب نوشته اند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

آموزش تشکیلاتی (۶)

عملت چیست که فردوس برین می‌خواهی

زهره رحیمی، مسئول کمیته آموزش و توانمندسازی حزب اراده ملت ایران

نکته کلیدی آموزشی در این شماره از نشریه، به پیام آموزنده‌ی این شعر اشاره دارد:

«عملت چیست که فردوس برین می‌خواهی؟»

معمولاً بیرون گود ایستادن و نظر دادن کار بسیار ساده و البته رایجی در میان ماست. مثل اینکه؛ روی کاناپه دراز بکشیم و در خصوص نواقص چیدمان اثاثیه منزل، یا سطح نظافت اتاق اظهار نظر کنیم، بدون اینکه کمترین مشارکتی در هیچ کدام از این موارد داشته باشیم.

پای تلویزیون مشغول تماشای مسابقه فوتبال یا کشتی باشیم و بدون تجربه‌ای از بازی در زمین مسابقه یا مبارزه با حریف روی تشک، کدام از فنون نامناسب و تلاش نافرجام سوژه‌های مورد نظر ایراداتی بگیریم.

تکیه داده به صندلی پارک، رفتار دیگر والدین را با فرزندان نشان هنگام سرگرمی به پرسش بگیریم، در حالی که یک ساعت مراقبت از کودک نوپایی را در کارنامه زندگی نداریم.

آری، یکی از موارد رایجی که در تشکیلات مدنی، شاهد آن هستیم، حضور افرادی است که تنها در بیان و ابراز پیشنهادات و انتقادات [هر چند بدیع و جالب] چیره دست هستند. تعداد قابل توجه افرادی، که بدون توجه به نقش خودشان در عملیاتی سازی پروژه‌ها و خلق شرایط، کدام مجموعه را به خاطر بسیاری از کارهای نکرده و یا کرده به پرسش می‌گیرند!

این افراد معمولاً تمایل دارند تا فعالیت‌های انجام شده‌ی دیگران یا وضع موجود را نقد کنند یا عملکرد کلی و جزئی تشکیلات را زیر سؤال ببرند. مدعی هستند که می‌توان مسیرها، سیاست‌ها و اقدامات بهتر و موثرتری را به انجام رساند. اما همه اینها در زمین بی‌عملی خودشان رخ بدهد و به بار بنشیند.

برای آشنایی بهتر ذهن‌تان، در حوزه شغلی یا خانوادگی یا در محله و انجمن خود، حتماً می‌توانید مثال‌هایی از این افراد را ذکر کنید. شاید هم خود شما یکی از همین دست آدم‌ها باشید!

اینکه علت و ریشه این ماجرا به چه عواملی بازمی‌گردد، پاسخ‌های متفاوتی می‌توان داد. ویژگی‌ها و خصلت‌های فردی، میزان توانایی و مهارت اشخاص، شناخت و درک آنها از پدیده‌های جمعی، احساس بیگانگی با محیط و محفل و نهاد مورد نظر، همه و همه می‌توانند عواملی برای این مدعیان منفعل باشد.

این در حالیست که نهادهای مدنی به‌ویژه سیاسی، به نیروهایی نیازمندند که همزمان از خوشفکری و خلاقیت، همچنین عملگرایی و کوشایی برخوردار باشند. از شما چه پنهان غیر از بن‌بست‌ها و گره‌های دشوار مدنی، در بیشتر مواقع، ارائه‌ی ایده یا پیشنهاد یا انتقاد نسبت به عملکرد و وضعیت مجموعه، کار چندان دشواری نیست. این محقق کردن و به اجرا درآوردن ایده‌ها و برنامه‌هاست که نیازمند عزم و اراده‌ای پایدار و جدی دارد.

بسته به اینکه عامل چنین رفتاری چه باشد، برای رفع آن باید ترفندهایی اندیشید. از تقویت مهارت‌ها و توانایی‌ها، تاد رک بیشتر مناسبات در عرصه‌های عملی و میدانی، تارفع احساس بیگانگی و افزایش تعلق خاطر به مجموعه و نهاد مربوطه و افزایش چسبندگی من و ما. در دو مورد آخر، ما نباید به عنوان یک شاهد از بیرون به مجموعه تشکیلاتی خود نگاه کنیم. بلکه با نگاهی درونی مسائل را ارزیابی کنیم. چنانچه این تعلق و تولی‌گری، به درستی صورت بپذیرد، خودمان را بیش و پیش از هر فاعلی دیگری، مسئول امور و وضعیت موجود خواهیم دانست. در عین حال از این مهم نیز نگذریم که اگر نهادهای مدنی ما، امکان هویت‌آفرینی و ایجاد «مای جمعی» را نداشته باشند، با شیوع بیشتری از این خودبیگانگی تشکیلاتی، مواجه خواهیم شد.

جمله مشهور و قابل تأملی هست که می‌گوید:

«نپرسیم کشور من برای من چه کرده است، نخست ببینیم که ما برای کشورمان چه کرده‌ایم؟»

البته انصاف و صداقت در پاسخ به این پرسش، بخش زیادی از نتیجه‌گیری را رقم خواهد زد.



هفته‌نامه غیربرخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲



پیشنهاد و معرفی

در دنیای پیچیده امروز، دیگر سانسور فقط جلوگیری از عرضه محصولات فرهنگی یا تغییر دادن آنها نیست بلکه غوطه ور کردن انسان ها در سیلاب اطلاعات بی اهمیت و نامربوط، نیز نوعی سانسور پنهان را برای ما ایجاد میکند. در بخش معرفی و پیشنهاد نشریه اراده ملت هدف ما این است که از میان این انبوه محصولات فرهنگی، گزیده هائی را برای شما برگزینیم تا بدین وسیله توجه تان را معطوف به آثار و وقایعی نمائیم که ممکن است حتی از دید تیزبین شما گرامیان دور مانده باشد.

در این شماره میپردازیم به:

- ۴۱..... معرفی فیلم حرف های زنان
- ۴۲..... معرفی کتاب اقتصاد به زبان خودمان
- ۴۳..... نگاهی به احمد رضا احمدی شاعر تازه در گذشته
- ۴۴..... نگاهی به تاریخچه استقلال قوه قضائیه
- ۴۵..... بررسی جایگاه بتهوون در موسیقی
- ۴۶..... معرفی شعر دوره بازگشت
- ۴۷..... نگاهی به نمایش آلازایمر
- ۴۸..... نگاهی به عکس عروس
- ۴۹..... بررسی اینفوگرافی در مورد آب



”ماشکیا بودیم“ و این است آن کلامی که ما را به تمامی وصف خواهد کرد.



راضیه گمار

r.gomar901@gmail.com

نام اثر: حرف های زنان (women talking)
کارگردان: سارا پولی
ژانر: درام
محصول: ایالات متحده
زبان: انگلیسی
مدت زمان: ۱۰۴ دقیقه
سال انتشار: ۲۰۲۲

حرف های زنان، یک فیلم درام آمریکایی، به نویسندگی و کارگردانی سارا پولی، برگرفته از رمانی به همین نام اثر میریام توس می باشد، که با الهام از رویدادهای واقعی زندگی در مستعمره مانیٹوبا، در یک جامعه دور افتاده و منزوی در بولیوی، ساخته شده است.

فیلم با جمله ی زیبا «آنچه در ادامه می آید، حاصل یک عمل تخیل زنانه است» آغاز می گردد.

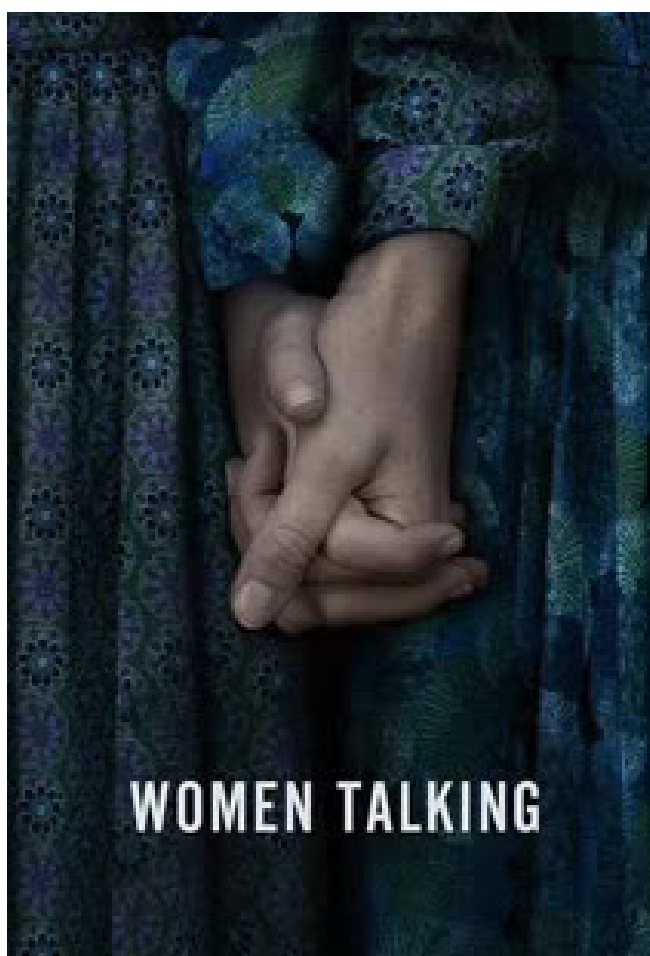
در سال ۲۰۱۰، زنان و دختران یک مستعمره منزوی، متوجه شدند که مردان از مسکن گاوی برای تسلیم کردن و تجاوز به آنها استفاده می کرده اند. به دنبال یک اتفاق، مردان آن جامعه زنان را به مدت دو روز تنها می گذارند.

این فرصت آنان را وامیدارد که برای آینده خود تصمیم گیری کرده، که چگونه ادامه خواهند داد. آنها یک همه پرسی برگزار می کنند، که بمانند و کاری انجام ندهند، بمانند و بجنگند یا بروند، پس آن ها «صحبت می کنند».

این فیلم رویکردی جسورانه درباره گروهی از زنان دارد که توسط مردان جامعه خود منزوی شده و مورد خشونت واقع شده اند. روایت فیلم تلخ است و در جاهایی فضایی ظالمانه را ایجاد می کند که اغلب ناشی از ترس و ناراحتی است که به زیبایی به تصویر کشیده شده، اما به شیوه ای شگفت انگیز امیدوار کننده است.

در واقع فیلم یک گزاره سیاسی دارد که بدنبال آن، این زنان هستند که برای اولین بار و بدنبال گفتمان بین خودشان، تصمیم به رای گیری و نظرخواهی کرده تا برای یک بار هم که شده تعیین مسیر پیش رویشان به دست خودشان رقم بخورد. سرکوب سنتی زندگی شان و محرومیت های اجتماعی بزرگ هم جنسان شان، تا اندازه ای گسترده و اساسی است که آنها را از جهان اطرافشان بی خبر ساخته است.

در پایان، تماشای حرف های زنان، به مثابه تنفس هوای تازه ای می ماند که میتواند مخاطب را برای دقایقی به یک تفکر ذهنی آزاد و مستقل سوق دهد.

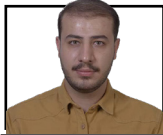


هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

چگونه اقتصاد کار می کند؟



علیر ضامال میر

Malmira287@gmail.com

عنوان: اقتصاد به زبان خودمان

نویسنده: جیم استفورد

ناشر: پژواک

تعداد صفحه: ۱۱۲

اقتصاد به زبان خودمان

۱. مقدمات



جیم استفورد

ترجمه ی ارش حسینیان

چرا نباید به حرف اقتصاددانان اعتماد کرد

اقتصاد آنقدر مهم است که نباید تنها به اقتصاددانان سپرده شود. این کتاب فوق العاده مختصر و خواندنی، تمام اطلاعاتی را که برای درک اینکه سرمایه داری چگونه کار می کند و چگونه نمی کند را به خوانندگان غیر متخصص، ارائه می کند.

جیم استفورد در کتاب اقتصاد به زبان خودمان معتقد است لازم نیست که شما یک اقتصاددان باشید تا بتوانید درباره ی علم اقتصاد چیزی بدانید. همچنان که در فرهنگ ما ایرانیان اقتصاد را علم یا هنر تدبیر منزل می دانستند یعنی تامین معاش و برنامه برای رفع نیاز. هر انسانی اقتصاد را تجربه می کند. هر انسانی به نوعی در آن نقش ایفا می کند. هر انسانی در نظام اقتصادی دارای منافع است؛ در چگونگی عملکرد نظام اقتصادی، در میزان کارایی آن و اینکه نظام اقتصادی به سود چه کسی عمل می کند. از نگاه استفورد هر فرد در کی عامیانه از جایگاه خود در نظام اقتصادی و همچنین از نحوه ی عملکرد خود در مقایسه با دیگران، در مقایسه با گذشته ی خویش و در مقایسه با انتظارش؛ دارد این ها چیزهایی هستند که باید علم اقتصاد را بسازد و میگوید ما به یک علم اقتصاد دموکراتیک تر نیاز داریم، به رویکردی مردمی تر. ما به علم اقتصادی احتیاج داریم که بر فرضیه هایی غیر واقعی پی ریزی نشده باشد، بلکه در عوض، از شرایط ملموس زندگی آدم های معمولی آغاز کند. شاید این طور نیز بتوان گفت که ما به یک علم اقتصاد همگانی نیاز داریم، جامعه ای را تصور کنید که آدم های معمولی از علم اقتصاد سر در می آورند و منافع غالباً متعارضی را که در مسائل اقتصادی وجود دارد تشخیص می دهند.

استفورد به سوالاتی مانند آیا کارگران به سرمایه داران نیاز دارند؟ چرا سرمایه داری به محیط زیست آسیب می رساند؟ وقاعد بازار سهام چه اتفاقی می افتد؟ پاسخ می دهد او هم ارزیابی واقع بینانه ای از نقاط قوت سرمایه داری ارائه می دهد و هم انتقادی محکم از شکست های فراوان آن.

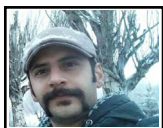
این کتاب برای کسانی که به موضوع اقتصاد علاقمندند و برای جهانی عادلانه تر کار می کنند و دانشجویان علوم اجتماعی که نیاز به درگیر شدن با اقتصاد دارند جذاب خواهد بود.

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

موج نو خاموش شد



حامد نامجو

Hamed.namjoo@gmail.com

انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همکاری کرد... احمد رضا احمدی نخستین مجموعه‌ی اشعار خود را با عنوان "طرح" در سال ۱۳۴۰ منتشر کرد و این کتاب با استقبال بالایی از سوی منتقدان و مخاطبان آن دوره روبه‌رو شد. احمدی مطالعه‌ی زیادی در خصوص سبک شعر نیمایی داشت و به‌طور کامل با این سبک آشنا بود. همین آشنایی و تسلط سبب شد تا با بهره‌گیری از اصول شعر نیمایی دست به خلق سبکی جدید بزند. آثار احمد رضا احمدی را می‌توان از بسیاری از جهات نوعی حدیث نفس و گفت‌وگوی او با خودش نیز دانست.

در سال ۱۳۷۸ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در مراسم بزرگداشت احمد رضا احمدی، تندیس مداد پرنده را به او اهدا کرد. در سال ۱۳۸۵ نیز وی به‌عنوان شاعر برگزیده پنجمین دوره اهدای "جایزه شعر بیژن جلالی" انتخاب شد. همچنین در سال ۱۳۸۸ نیز نامزد دریافت جایزه هانس کریستین آندرسن شد.

از آثار وی می‌توان به:

هزار اقا قیادر چشمان تو هیچ بود

بهاریه

همه شعرهای من

روزی برای تو خواهیم گفت

چای در غروب جمعه روی میز سرد می‌شود

ساعت ۱۰ صبح بود

و ... اشاره کرد.

احمد رضا احمدی نویسنده، شاعر و نقاش مشهور ایرانی درگذشت. او بنیان‌گذار سبک ادبی موج نو در دهه‌ی ۱۳۴۰ ایران بود و از جمله مشهورترین آثار او می‌توان به کتاب‌های "آرتمان، دریا" و "ابشارهایی که بر خوابم فرو ریختند" اشاره کرد. وی در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۱۹ در کرمان متولد شد. پدر او کارمند وزارت دارایی بود و احمد رضا کوچک‌ترین فرزند خانواده‌ای هفت نفره بود. احمدی سال اول دبستان را در مدرسه کاویانی کرمان گذراند و در سال ۱۳۲۶ با خانواده به تهران مهاجرت کرد و در دبستان ادب و صفوی تهران دوران ابتدایی را به پایان برد و دوره دبیرستان را در دارالفنون گذراند. روزهای پرهیاهوی تهران و سربر آوردن شعر نواز دل‌قالب‌های کلاسیک، هم‌زمان با اقامت احمدی در تهران بود. روزگاری که اینگونه از آن یاد می‌کرد: "روزهای خیلی وحشتناکی بود، سرما، غربت و غریبی. ۱۳۲۷ همان سالی که شاه تیر خورد، مدرسه‌ای که من در تهران می‌رفتم به اسم ادب، پشت مسجد سپهسالار بود. در آن زمان، هر روز در جلوی مجلس تظاهرات و بزنی و بکوب بود. جلوی چشم ماملت را می‌گرفتند و می‌بردند. تنه‌زایی‌اش این بود که کنار مدرسه ما کلاس سنتور ابراهیم سلمکی بود. شهرها که از مدرسه مرخص می‌شدیم، می‌ایستادیم و از صدای ساز لذت می‌بردیم."

در سال ۱۳۴۴، احمد رضا احمدی به‌همراه گروهی از نویسندگان و روشنفکران آن زمان، گروه ادبی طرفه را با هدف دفاع از هنر موج نو به‌ویژه در شعر فارسی تأسیس کردند. از جمله فعالیت‌های این گروه ادبی می‌توان به انتشار آثار و مقالات و همچنین انتشار دو شماره از نشریه‌ی طرفه اشاره کرد. اعضای اولیه‌ی این انجمن عبارت بودند از: محمدعلی سپانلو، نادر ابراهیمی، اسماعیل نوری علا، مهرداد صمدی، بهرام بیضایی، اکبر رادی، جعفر کوش آبادی، مریم جزایری و جمیله دبیری.

احمد رضا احمدی از سال ۱۳۴۹ برای کار به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رفت. او در ابتدا به‌عنوان مدیر تولید موسیقی به فعالیت پرداخت و سپس تا زمان بازنشستگی خود در سال ۱۳۷۳، به‌عنوان ویراستار با بخش



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲



استقلال قوه قضائیه



عدالت است اشاره شده است.

نیاز به استقلال قوه قضائیه و عدم وابستگی به قوای دیگر بخاطر این است که هر انسان می تواند مرتکب خطا گردد و این استقلال باعث نظارت قوای دیگر و اجرای درست مسئولیت قوه قضائیه می شود. این استقلال می تواند نتایج مطلوبی از جمله جلوگیری از سوءاستفاده هر شخص از جایگاهش شود زیرا هیچ فردی در هیچ جایگاهی نمی تواند از مسئولیت اعمال و رفتارش شانه خالی کند و همگی موظف به پاسخگویی هستند، درست در این لحظه تمام اشخاص در برابر قانون یکسان هستند که قوه قضائیه اشخاص را بدون توجه به مقام اجتماعی، مسئولیت شغلی و جایگاه مالی و سیاسی؛ و صرفاً به عنوان یک شهروند ببیند.

اما نکته دیگر این است که اصل تقسیم و جدایی کارکردهای دولتی و وظایف حکومتی و سپردن اجرای اختصاصی هر حوزه به قوه ای مستقل، هیچ گاه تضمینی برای ایجاد نظامی مردم سالارانه و گردش قدرت سیاسی میان نخبگان نبوده است. اما به نظر این روش منطقی ترین و مورد تایید شمار بیشتری از اندیشمندان این حیطه است.

در پی انقلاب های ملی که باعث به وجود آمدن شکل جدیدی از حکومت، موسوم به دولت_ملت شد، نظریات تفکیک قوا، اجرایی و مورد استفاده قرار گرفتند، هدف از تفکیک قوا جلوگیری از تمرکز قدرت و سامان دادن به امور سیاسی به شکلی بهتر بوده است. پس دولت های ملی به توزیع قدرت سیاسی از طریق سه قوه ی مقننه، مجریه و قضائیه و جداسازی ساختاری و کارکردی آن ها اقدام کردند.

اما نتیجه مطلوب تفکیک قوا چیست؟ می توان گفت محدودیت بیشتر قدرت و تعاملات منعطف و سازنده تر میان قوای سه گانه است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل هایی به تفکیک قوا از یک دیگر اشاره و تاکید شده است از جمله اصل ۵۷: قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

در اصل ۱۵۶ علاوه بر تاکید بر استقلال قوه قضائیه، به وظایف قوه قضائیه که پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و مسئولیت تحقق بخشیدن به



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

بتهوون فرزند زمانه خویش



محمد هادی خوشکلام

mohammadhadikhohkalam95@gmail.com

این اندازه تیره شد؟

همچنان که سرمایه‌داری از پیروزی بر فئودالیسم مطمئن شده بود و همچنان که طبقه کارگر بزرگتر می‌شد، سازمان می‌یافت و خود را آموزش میداد، طبقه حاکم با شناخت انقلاب‌های ضد فئودالی به مبارزه و مخالفت بر می‌خواست. هنرمندان بزرگی که این جنبش را در عرصه اندیشه‌ها منعکس کردند به شخصیت‌های افسانه‌ای تبدیل شدند. سونات‌های بتهوون در دوران حیات خودش در همه جا اجرا می‌شدند و مردم از شنیدن شان لذت می‌بردند، سمفونی شماره ۹ و آخرین کوارتت‌های بتهوون که امروز غامض تلقی می‌شدند در دوران حیات او بی‌هیچ مشکلی اجرا و با اقبال همگانی روبرو می‌شدند. وقتی بتهوون درگذشت تمام مردم شهر وین یکپارچه به تشییع جنازه‌اش رفتند. ولی واقعیت دارد که یکی دو نسل بعد مجبور شدند انبوه عظیمی از آثارش را از نو کشف کنند و به دفاع از آنها برخیزند.

بدون تردید موسیقی بتهوون از احساسات شخصی تهی نیست ولی در هنر دیواری میان عنصر شخصی و اجتماعی کشیده نشده است. هر تغییری در نهادهای اجتماعی و سیاسی، گونه تازه‌ای از شخصیت را در خط مقدم جبهه تاریخ قرار می‌دهد که نشان دادنش و پرده بر گرفتن از چهره‌اش کار هنر است. اگر موسیقی بتهوون را صرفاً تجسم ذهنی انسان بدانیم موسیقی او به مراتب فراتر از این بحثها می‌رود. تجسم ذهنی است که تماماً بر حیات وقوف دارد، در برابر هر رویدادی با حداکثر حساسیت و ژرفای فکری واکنش نشان می‌دهد و شجاعانه هر آنچه را بی‌فایده و که نمیدانست رد می‌کند. یعنی همان ذهنی که در حیات سیاسی آن روزگار در خط مقدم جبهه تاریخ ایستاده بود و حقوق بشر را به گوش جهانیان می‌رسانید.

بتهوون کار خودش را عامل سقوط هنر بایدن و مسائل نمی‌دانست که خیلی چیزها از آنها آموخته بود ولی از آزادی نویافته‌اش لذت میبرد. روشن است که بتهوون پس از سال ۱۸۱۵ یعنی در آخرین دوره آفرینندگیش نمی‌توانست همان موسیقی مبارزه و پیروزی را که در دوران ناپلئون تصنیف کرده بود به روی کاغذ بیاورد. آن زمان به نظر می‌آمد که انبوهی از نهادهای سرکوبگر و ارتجاعی نه بر اثر سرنگونی حکومت‌های خودکامه فئودالی به دست ناپلئون بلکه بر اثر مبارزه بر ضد او در راه آزاد سازی ملت‌هایی که به دست او غارت شده بودند از صحنه روزگار محو خواهند شد. به دنبال شکست ناپلئون، اتحاد مقدس تمام وعده‌هایی را که به توده‌های مردم داده شده بود زیر پا گذاشت و کوشید حکومت‌های استبدادی را در سراسر اروپا از نو بر پا دارد و تمام جرقه‌های دموکراتیک برجای مانده از انقلاب فرانسه را خاموش کند. در این زمان الگوی روانی یا درام درونی موسیقی بتهوون دگرگون شد. سراسر این موسیقی را احساس تراژیک ژرف‌تر، نیش دارتر و نافذتری فراگرفت. کوششهای او برای دور کردن این احساس دشوارتر و آزارنده تر است و اگر دوباره به آرامش، شادی و اطمینان از آزادی بشریت دست یابد، مانند آخرین سوناتهای پیانو آخرین کوارتت‌ها و روشن تر از همه در سمفونی شماره ۹، اینان همگی در حکم بیان پیوسته اطمینان به آینده است نه شادی از پیروزی موجود.

در اینجا به یاد شعری از والٲ ویتمن پس از شکست‌های سال ۱۸۴۸ می‌افتیم: آزادی ... بگذار دیگران از تو مایوس شوند، من هرگز از تو مایوس نمی‌شوم. آیا خانه بسته است؟ صاحبش رفته است؟ ولی تو آماده باش، از چشم دوختن خسته مشو زود باز خواهد آمد، پیام‌آورانش می‌آیند. چرا اوضاع تا

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲





مرتضی صادقیان

شعر بازگشت

شعر دوره بازگشت، با گرد هم آمدن چند شاعر، در زمان فتحعلی شاه قاجار شکل گرفت. آنها می خواستند از شعر سبک هندی رهایی پیدا کنند و خواهان بازگشت به سبک شعر قرن چهارم و پنجم هجری بودند. دوره ای که از نظر آنها عصر طلایی شعر فارسی به حساب می آمد. از مهمترین عوامل شکل گیری این دوره شعری، وجود خود فتحعلی شاه و زیر دستی شعری او و حمایت های او بود. شعر شاعران این دوره، تقلیدی ست کامل از شعر شاعران قرن چهارم و پنجم. با این حال ظرافت های خاص خودشان را دارند. به طور مثال کمتر شاعری را می توان یافت که مثل فروغی بسطامی (از شاعران دوره بازگشت ادبی) این چنین با معبود خود، راز و نیاز کرده باشد:

کی رفته ای ز دل که تمنا کنم تو را
کی بوده ای نهفته که پیدا کنم تو را
غیبت نکرده ای که شوم طالب حضور
پنهان نگشته ای که هویدا کنم تو را
با صد هزار جلوه برون آمدی که من
با صد هزار دیده تماشا کنم تو را
چشمم به صد مجاهده آینه ساز شد
تا من به یک مشاهده شیدا کنم تو را
بالای خود در آینه چشم من ببین
تا با خبر ز عالم بالا کنم تو را



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

نمایشی رها از هر پنهانی

نمایش آلزایمر

نویسنده، طراح و کارگردان: حامد رحیمی نصر

نمایش «آلزایمر» تیر و مرداد ۱۴۰۲ هر شب در ساعت ۲۱:۱۵ در عمارت نوفل لوشاتو روی صحنه است.

آلزایمر کاری ست جالب، با سر در گمی شروع می شود و سعی در القای یک فضای پریشان را دارد، اما هر چه جلوتر می رود متوجه می شوید همه چیز هوشمندانه جلو می رود.

حامد رحیمی نصر، آنقدر تیم بازیگری خود را دقیق انتخاب کرده که با جلوتر رفتن داستان متوجه می شوید، هر کدام جای درستی ایستاده اند.

«آلزایمر» پر از قاب ست، بازیگرانی که تیم پزشکی را تشکیل می دهند، تضادی جالب دارند و تیم خانواده به همه چیز رنگ می بخشد. بازیگر توانمندی چون «وحید نفر» در نقش عمو شوقی آنقدر بر بداهه سوارست که راهی جز باور او ندارد. پدر مبتلا به آلزایمر با بازی بینظیر «محسن زرآبادی» با ورودش در ادامه نمایش، ریتم و رنگ نابی به کار می دهد. فرزندان «جانعلی» به رهبری خود حامد رحیمی نصر که نقش «ژیان» فرزند دوم را دارد، هر آن چیزی نمایش نیاز دارد را کامل می کنند.

وقتی «جانعلی» با روند درمانی سریع دکتر وهاب حافظه ش را باز میابد؛ دیگر، مقاومت ناپذیر می شوید در برابر خندیدن. با حضور «عمه لعبت» در ثلث آخر نمایش، ورودی خوشرنگ اتفاق می افتد و همه چیز شما را به سمت یک درام درست پیش می برد.

نمایش رها از هر لایه پنهانی نابجاست و شما دیگر درگیر یک داستان سر راست می شوید که همه چیز دارد. در آخر شما در یک بی سرانجامی عجیب یک پایان مبهوت، از سالن خارج خواهید شد.

در هر حال آلزایمر ارزش دو بار تماشا را دارد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲



عروس



زهره رحیمی

RAHIMI_ZOZO2003@yahoo.com



مجردید، متاهل اید. از ازدواج بیزار یا به آن مشتاق اید. این خاطره برایتان تلخ و مصیبت بار بوده یا سرشار از شیرینی و شادمانی. جوان هستید یا در کهنسالی به سر می برید. در روستاهای شمال ایران یا در پایتخت های اروپایی زندگی می کنید. هر کسی و هر جایی که هستید، صادقانه اعتراف کنید که یک ماشین آراسته شده ویژه مراسم عروسی، توجه شما را حتماً جلب می کند و اگر خوش شانس باشید و از زیر تورهای هزار لایه، صورت عروس را ببینید، از آن وسوسه دریغ نمی کنید. تماشای این حادثه ی بسیار مکرر اما نامکرر که ناخود آگاه ما را حتی برای دقایقی می رباید، سوژه این شماره ماست.



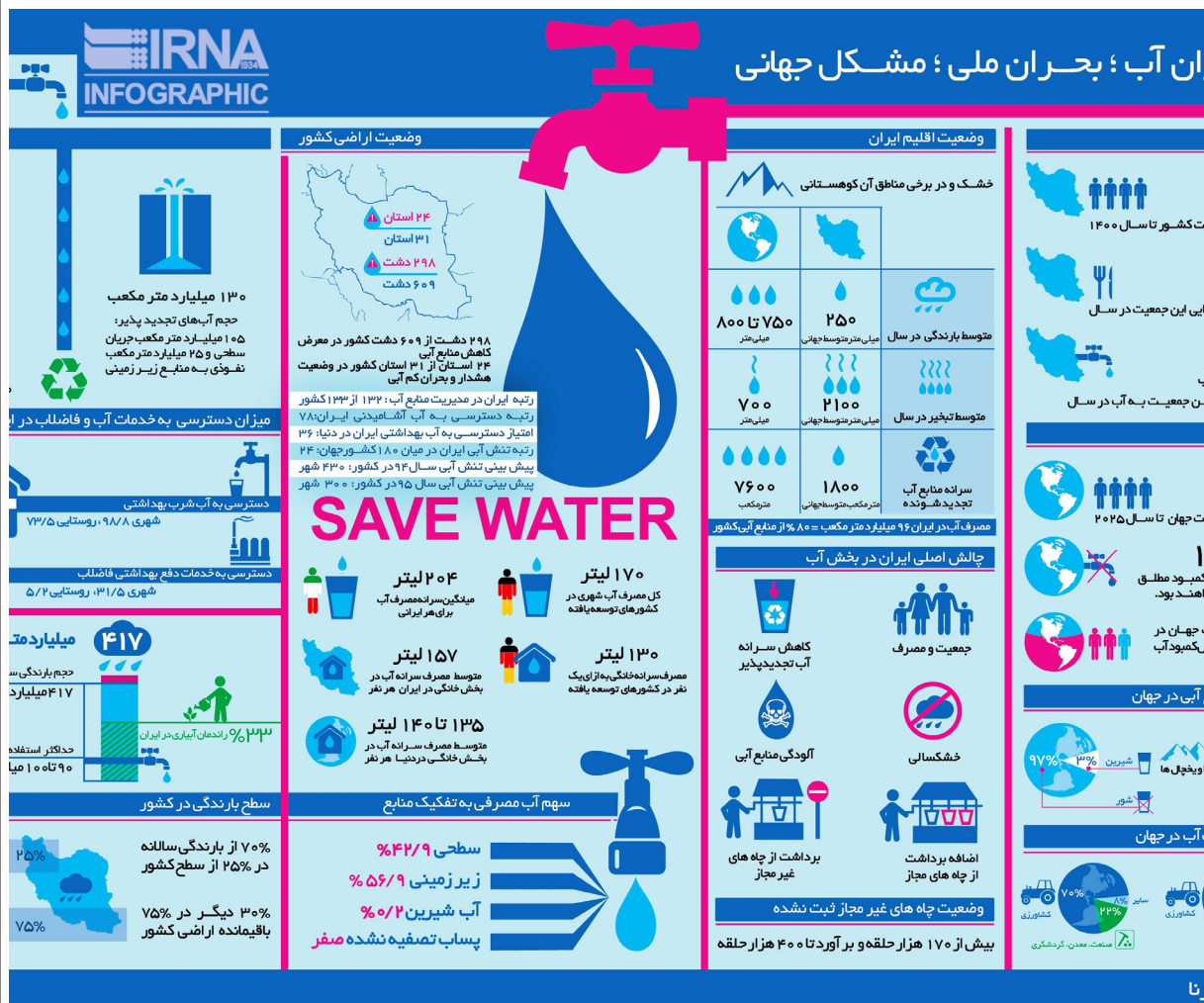
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲

اینفو گراف ببینید

ان آب ؛ بحران ملی ؛ مشکل جهانی



مهشید قاسمی

gha3mg.m@gmail.com

توسعه یابدار، آب سالم

طبق گزارش سازمان ملل تا سال ۲۰۵۰ هدر رفت و آلودگی منابع آب بهره برداری ناکارآمد و بی توجهی به پایداری منابع آب، حدود پنج میلیارد نفر را تحت تأثیر قرار می دهد که از مهمترین موانع توسعه پایدار خواهد بود. حتی در کشورهای توسعه یافته و پرآب مانند آمریکا نیز بحران آب با توجه به خشکسالی ها و آتش سوزی سال های گذشته به یک معضل جدی تبدیل شده است. مهمترین کانون های بروز تنش آبی، قاره آسیا است که با ۶۰ درصد جمعیت جهان فقط ۳۰ درصد ذخایر آب شیرین را در اختیار دارد.

سیاست‌های افزایش جمعیت، روند افزایشی شهرنشینی، مهاجرت از روستا به شهر به دلیل کمبود منابع آب و تاثیر و مشکلاتی بر زندگی انسان‌ها ایجاد خواهد کرد. چالش اصلی افزایش جمعیت، کنترل و کاهش فقر است، همچنین باید حفاظت و پایداری محیط زیست و عدالت اجتماعی را تضمین کرد. در کشورهای در

آب در زندگی انسان نقش حیاتی دارد و برای توسعه در بخش های کشاورزی، صنعت و توسعه انسانی ضروری است. یکی از اهداف توسعه پایدار دسترسی به آب آشامیدنی سالم برای همگان تا سال ۲۰۳۰ است. سلامتی انسان بیش از هر چیز به آب سالم و بهداشتی بستگی دارد و حیات انسان در گرو آب سالم می باشد. از اینرو سیاست مداران باید مسایلی مربوط به آب را در راس برنامه های خود قرار دهند. توزیع منابع آبی در سطح زمین متوازن نیست و علاوه بر این تغییرات اقلیم، نوسان های شدید بارشی، آلودگی ناشی از مصرف کودها و سموم دفع آفات، دفع فاضلاب ها و دیگر منابع آلوده کننده، موجب کاهش منابع آبی سالم شده است. با افزایش جمعیت و رشد شهرنشینی در جهان، مصرف و نیاز به آب نیز به صورت تصاعدی رو به افزایش است و تأمین آب سالم به میزان کافی به یکی از معضلات جوامع بشری تبدیل شده است.

بندی و برنامه اجرایی مدون به اجرا گذاشته می شود. هدف اصلی مدیریت کیفیت، تضمین پایداری کمیت و کیفیت منابع آب به منظور تأمین مصارف مختلف است. محدودیت های منابع آبی در ایران شامل:

- رشد جمعیت و افزایش تقاضا برای دستیابی به آب با کیفیت بهتر.
- رشد تقاضا و تشدید رقابت بین نیازمندی های آبی بخش های مختلف (کشاورزی، صنعت و شرب).
- عدم تناسب توسعه و استقرار مراکز جمعیتی و صنعتی با پتانسیل منابع آب تجدید شونده.
- محدودیت منابع آب تجدید شونده و کاهش شاخص سرانه آب.
- افزایش مصرف سرانه آب ناشی از ارتقاء سطح رفاه و بهداشت مردم.
- بحران ناشی از خشکسالی ها و نوسانات جوی و برداشت بیش از حد از آب سفره های زیرزمینی.
- روند رو به رشد آلودگی منابع آب ناشی از عملکرد بخش های مختلف صنعتی، کشاورزی و انسانی.
- محدودیت منابع مالی جهت سرمایه گذاری.
- عدم توازن بین تعرفه ها و قیمت تمام شده ناشی از اعمال محدودیت های قانونی برای منطقی ساختن قیمت خدمات.
- محدودیت های قانونی برای منطقی ساختن قیمت خدمات آب و فاضلاب.
- عدم وجود شرایط مناسب برای اعمال بنگاه داری اقتصادی در شرکت های آب و فاضلاب.
- نگرش سنتی به آب به عنوان کالای ارزان و قابل دسترس.
- افزایش قیمت تمام شده محصول بدلیل لزوم انتقال آب از دور دست و تصفیه آب های با کیفیت پایین.

حال توسعه که محدودیت دسترسی به آب سالم و قابل شرب دارند، زنان و دختران مسئولیت جمع آوری آب را بر عهده دارند که انجام این کار، نابرابری جنسیتی است و زنان از اشتغال یا تحصیل باز می مانند.

اساس توسعه پایدار وابسته به آب است و هرگونه بروز مشکل در تامین و امنیت آب توسعه و رفاه انسان را تحت الشعاع قرار می دهد. ۸ مورد از اهداف توسعه پایدار به صورت مستقیم به آب و منابع آب سالم مربوط می شود، سلامتی و رفاه، آب سالم، انرژی پاک، پایداری جوامع، اقدامات تغییر اقلیم، زندگی زیر آب، زندگی روی زمین، همچنین اهدافی هم بدون آب قابل تحقق نیست از جمله کاهش فقر، کاهش گرسنگی، کاهش نابرابری، ساخت نوآوری.

مسئله آب رکن اصلی امنیت ملی و توسعه اقتصادی کشورها می باشد. در گذشته مشکلات آب در مقیاس ملی بوده است، اما اکنون مسئله ابعاد ملی، منطقه ای و در آینده ابعاد جهانی بروز خواهد کرد و تهدیدی برای صلح جهانی خواهد بود. ۲۱۴ رودخانه در جهان وجود دارد که حوزه آبریز مشترک بین دو یا چند کشور دارند که هیچ قانون و ضمانت اجرایی برای تخصیص آب آنها وضع نشده است. مانند هیرمند، که در چند سال اخیر ماه منجر به درگیری بین نیروهای مرزی ایران و افغانستان و شهادت تعدادی از جوانان کشور گردید.

بخش عمده مدیریت آب در کشور، بر عهده وزارت نیرو می باشد. چند وزارتخانه و سازمان دیگر نیز وظیفه بخشی از مدیریت آب را بر عهده دارند، که متأسفانه برنامه ریزی و هماهنگی کافی بین ارگان های مسئول در پایین سطح ممکن می باشد که یکپارچگی مدیریت آب را ناکامد کرده است. مدیریت آب فرابخشی است که لازم است توجه همه تصمیم گیران و مدیران در این مسئله جلب شود. حفاظت و بهره برداری بهینه و پایدار از منابع آبی مانند هر نوع توسعه دیگری نیازمند برنامه مدیریتی است که مشتمل بر مراحل و گام های خاص خود است و باید با اولویت



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۶

۲۸ تیر سال ۱۴۰۲



آرمان توسعه پایدار

۶

آب سالم و تأسیسات بهداشتی

تضمین دسترسی و مدیریت پایدار آب و تأسیسات بهداشتی برای همه



سازمان آگهی

برای درج تبلیغات خویش، پوستر طراحی شده را
به آدرس پایین ایمیل

Hgolami1367@gmail.com

و یا

به شماره زیر از طریق واتساپ ارسال نمائید

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵

خاطرات

www.khsmag.ir



انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است



برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته و آدرس مورد نظر را اعلام فرمایید.

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمایید.

انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است

خوانشی نوین: مردم‌سالاری اجتماعی

بنیان‌های مردم‌سالاری اجتماعی (سوسیال دموکراسی)



نویسندگان: توبیاس گومبرت و همکاران
مترجم: زهره رحیمی

برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته و آدرس مورد نظر را اعلام فرمایید.

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمائید.

انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است



یک خوشه نور

اکبر صمدی

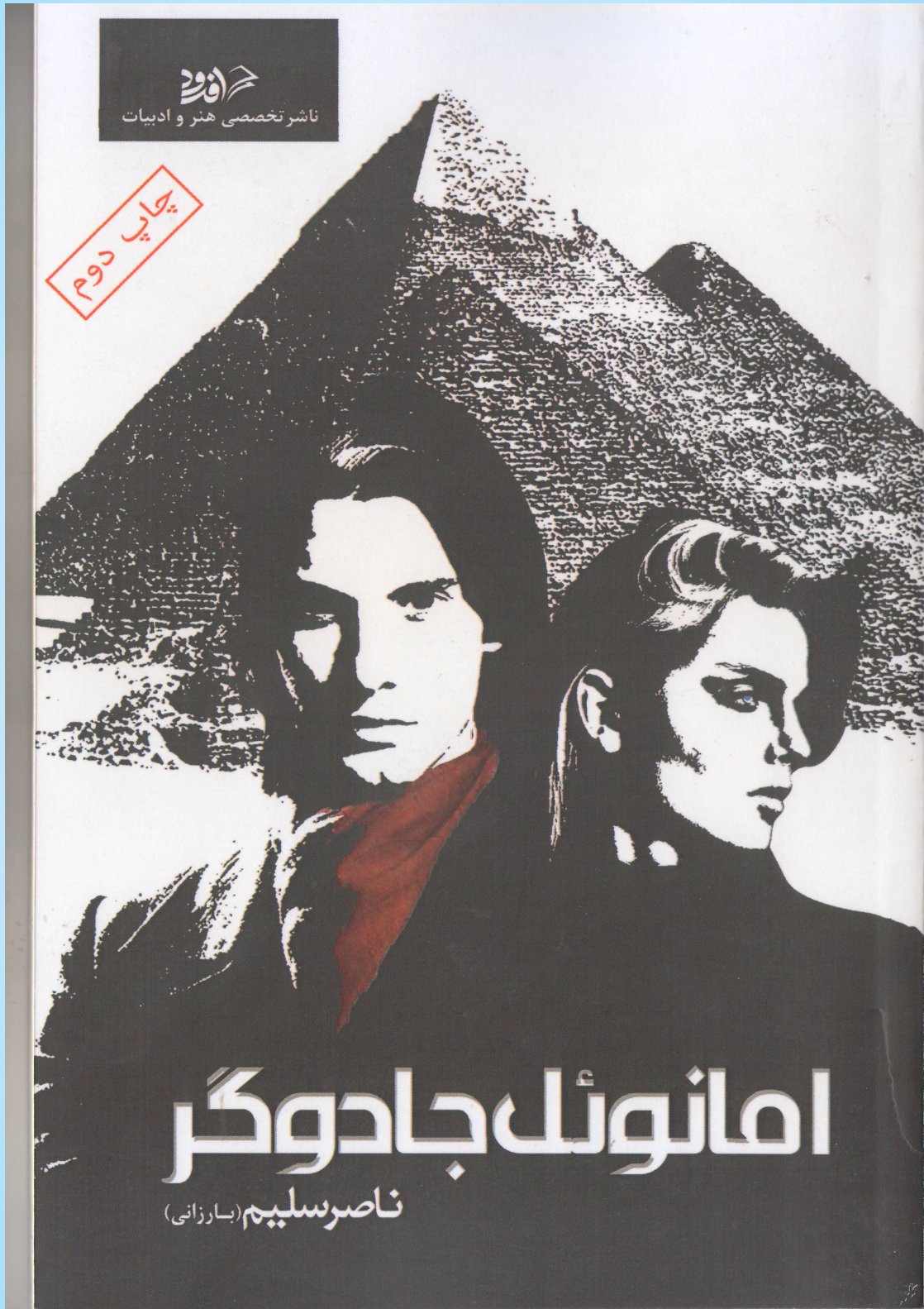
برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۳۹۵۱۵ تماس گرفته و آدرس مورد نظر را اعلام فرمایید.

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمائید.

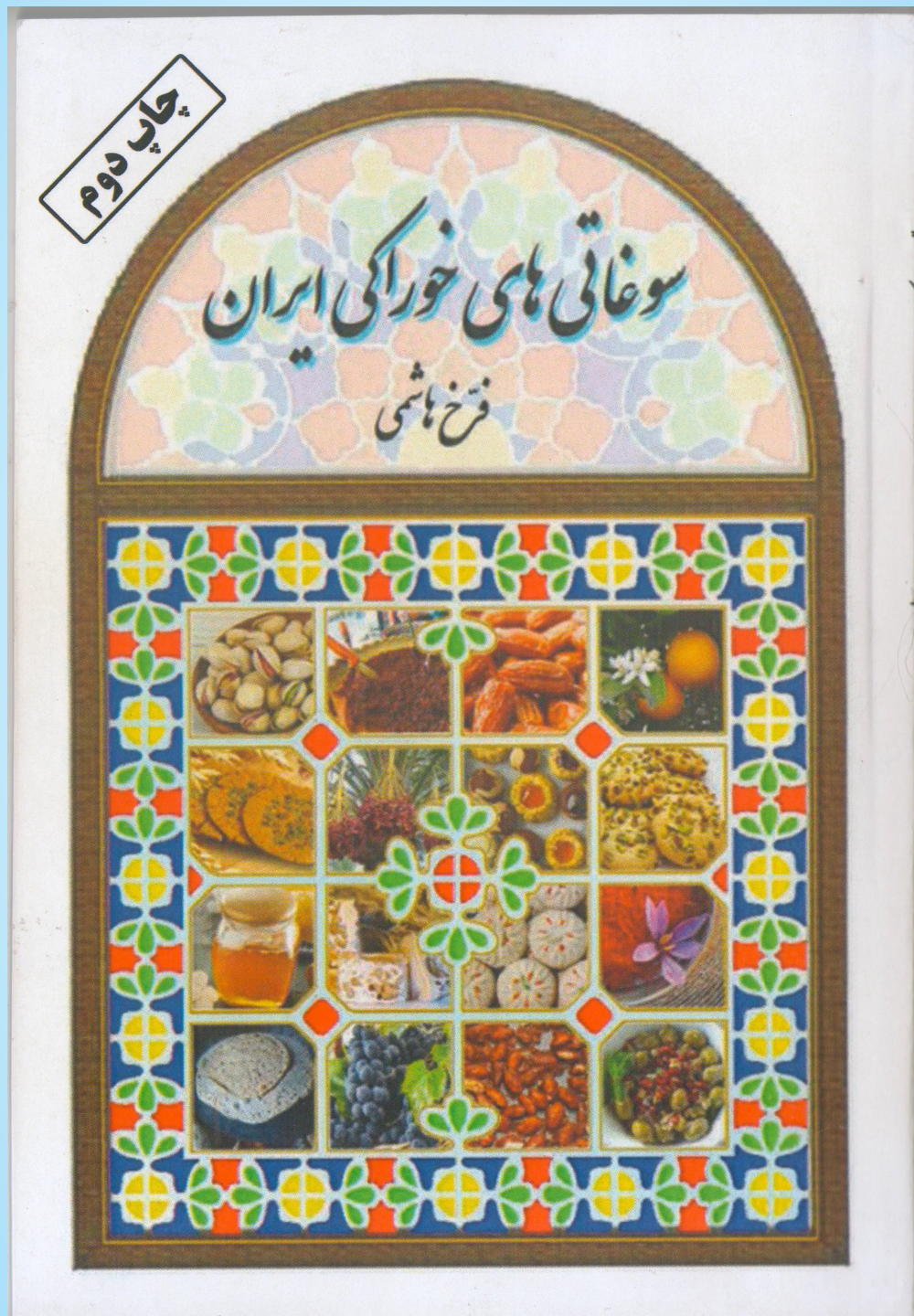
انتشارات شیرازه منتشر کرده است



انتشارات افروید منتشر کرده است



انتشارات ایزد راد منتشر کرده است



انتشارات هنر پارسه منتشر کرده است



زخم هبای تازه

مجموعه داستان

فرزانه نوری کرمانشاهی